

حق بزرگی برگردن اروپا دارد

*** امانوئل مکرون: همه ما بسیار نگران صلح و ثبات در منطقه هستیم**

چهارشنبه ۱۸ دی ۱۳۹۸ - ۱۲ جمادی الاول ۱۴۴۱ - ۸ ژانویه ۲۰۲۰ - سال نود و چهارم - شماره ۲۷۴۷۱ - ۱۶ صفحه به همراه ۸ صفحه ضمیمه - تک شماره ۲۰۰۰ تومان

✽ پیکر پاک سیهبد شهید قاسم سلیمانی دیروز بر شانه مردم سوگوار کرمان تشییع شد و در گلزار شهدا آرام گرفت

* پیکر پاک شهید قاسم سلیمانی دیروز بر شانه مردم سوگوار کرمان تشییع شد و در گلزار شهدا آرام گرفت

صفحه ۲



عکس از رهبر صیدانلو - فارس

فراگرفت

* آمریکا تدابیر گسترده امنیتی در داخل و خارج از این کشور وضع کرد

۲ تومان

نهاد تهیه بسته اعلام کرد

صفحه ۲

ظریف: پاسخ آمریکا را می‌دهیم

ومسئولیت آن رامی پذیریم

صفحه ۲

ت امروز

در

داد

5

س از خواندن بسوزانید

www.elsevier.com/locate/jmb

معرفی کتابهای انتشارات اطلاعات

یادبود اسطوره‌ها

چرا قاسم سلیمانی اسطوره است؟

بهمن نامور مطلب

باسداد روز جمعه رفت، اما فتنش مثلل دیگران نبود. همه جا از عکس‌ها و خاطرات او پر شد. هیچ خبری نبود جز «سردار قاسم سلیمانی». رفتش با همه فرق داشت، چون همه مردم دنیا از خواننده‌ها و فیلمسازان آمریکایی گرفته تا دولتمردان کشورها درباره‌اش نوشتند و خود واقعی‌اش را آشکار کردند. فرزند شایسته ایران – «عوانی» که محمود دولت آباد برای او انتخاب کرد – این‌ها شد که افراد، وجود باطنی خود را در او ببینند و مومضگیری کنند و این یکی از ویژگی‌های اسطوره‌ها است. ***

یکی از ویژگی‌های اسطوره‌ها این است که انفراد را وادار به مومضگیری می‌کنند. همین موضوع و مومضگیری موجب می‌شود افراد خود واقعی‌شان را آشکار کنند. یکی از دلایل اسطوره بودن سردار سلیمانی این است که همه را به مومضگری واداشتند او افراد به واسطه او، آنچه که درون خود نهان داشتند را آشکار می‌کنند. سردار سلیمانی برای افرادی که ضد استکبار و نفوذ آمریکا هستند و غلبه کشورهایی دیگر را بر منطقه نمی‌پذیرند، اسطوره مثبت و برای افرادی که شیشه غرب هستند و سبک زندگی غربی دارند اسطوره منفی است. در واقع قاسم سلیمانی بُرش می‌زند و آدم‌ها را حتی برای خوشان عیان می‌کند. او این‌ها ی شسده است که افراد، باطن خود را از می‌بینند و مجبورند در مقابل آن مومضگری کنند. بنابراین اسطوره‌ها مردم می‌شوند ما خودمان و مومضگری‌هایمان را به‌نشانی و موجب آشکار شدن ضمیر ناخودآگاه ما در برابر اسطوره‌ها می‌شود.

به عقیده من قاسم سلیمانی شخصی برای خودشناسی است تا با خودمان بی‌پرده مواجه بشویم. گاهی انسان تا مقابل اسطوره قرار نگیرد نمی‌تواند خودش را بشناسد. من افرادی را می‌شناسم که پیش از این اعتقادهایی بنیادین بسیاری به وضع داشتند و انتظار نمی‌رفت در برابر چنین اتفاقی مومضگری مناسب داشته باشند، اما سردار سلیمانی موجب شد نه‌ای پاک این افراد متبلور شود و آنها خود را به یکباره بازاریاری کنند و به عبارتی خوشان را قاسم سلیمانی دیگری بپایند. چرا باید یک جوان یکبار که درگیر مسائل اقتصادی است، خودش را یک قاسم سلیمانی بداند؟ زیرا این افراد احساسان را علیه ظلم ابراز می‌کنند. به همین دلیل امیدوارم مسئولان ما از این هدیه یعنی خون سردار سلیمانی که گشتمان جدیدی را راه انداخته است، به خوبی استفاده و مثل او مردمی رفتار کنند.

کشیدام وقتی سردار سلیمانی وارد مجلسی می‌شد، برایش فرق نمی‌کرد کجا بنشینند، با همه دست می‌داد و ربووسی می‌کرد، به دلیل برمداری و رفتار خاکی‌اش در دل مردم جا داشت. اسطوره، کسی است که می‌تواند در قلب‌ها نفوذ کند، نه در پخش‌نامه‌ها و سردار سلیمانی به همین دلیل مورد توجه بود.

سردار سلیمانی از این نظر با دیگر اسطوره‌ها متفاوت است که یک اسطوره فراتحاشی از ایران بود. مورد توجه همه جناح‌ها بود و با همه ارتباط داشت. از طرفی سردار سلیمانی خودش را واراد جبهه‌های کوچک نمی‌کرد و مرد جبهه‌های بزرگ بود که از چپ و راست، سنتی و مدرن، حتی شیعه و سنی گذر کرده بود. به عبارتی تلور یک انسان آزاده در مقابل استکبار جهانی بود. ارتباط او با همه خوب بود و مرزهای گسترده‌ای داشت. برای او یک مرز بزرگ میان استکبار و استضعاف وجود داشت که آن را در عمل هم نشان داد.

اسطوره‌ها الگوهای روایت‌دار هستند، زندگی و فعالیت‌های برخی الگوها، روایت‌های ویژه و منحصر به فردی است و همین موضوع موجب می‌شود بسیاری آرزو کنند به جای آن فرد باشند و به همین دلیل آن فرد به یک اسطوره تبدیل می‌شود. زایش اسطوره در دوران معاصر کم شده است، زیرا سرعت حوادث زیاد است، اما هنوز هم امکان اسطوره سازی وجود دارد و امثال سردار سلیمانی نشان دادند که جامعه ما هنوز عقیم نشده است، زاینده است و می‌تواند اسطوره بسازد.

سردار سلیمانی از نادر اسطوره‌هایی است که تا این اندازه فراگیر شده است. جامعه‌ای که تواناند اسطوره خلق کند، اسفرده و مرده است. حضور و ظهور اسطوره نشان‌دهنده پویایی یک جامعه است و این کاری بود که اسطوره‌ها به نام قاسم سلیمانی توانست به ما و جهان یادآوری کنند. اسطوره‌هایی مثل سردار سلیمانی و شهید همه نشان‌دهنده این هستند که زندگی انسان‌های امروز خالی از قهرمان با اسطوره نیست، اما سردار سلیمانی به دلیل فعالیت‌های گسترده و اثرات ایجاد رویدادهای تاریخ و در بین نظامی‌ها یگانه بود و یگانه خواهد ماند.

او در قامت جبهان‌پس بود و به همین دلیل اسطوره‌های مجبور است این چهره را به چهره خودش حذف کند که حال که اسطوره‌ها حذف‌شدنی نیستند، بلکه در جامعه حل و تکثیر می‌شوند. اسطوره‌ها تولید، تضعیف، شکسته و تقویت می‌شوند و حتی می‌توانند بپیرند. اما می‌توانند دوباره احیا و تکثیر هم شوند. اسطوره‌ها به عنوان یک فعالیت خواسته‌های جهانی و منطقه‌ای ایستاده بود، برای برخی افراد جنبه منفی داشت؛ به همین دلیل همه این افراد برای اسطوره کشکی تلاش می‌کنند؛ اما در عین حال من اسطوره‌داری و اسطوره پردازی کرد. سردار سلیمانی ویژگی‌های کامل یک اسطوره بزرگ را دارد و بعد از آن در دست مردم، رسانه‌ها و هنرمندان است که با این ویژگی‌های کامل بتوانند اسطوره کامل را شکل دهند. حتی محمود دولت‌آبادی هم پیام تسلیت خوبی برای سردار سلیمانی نوشت و این امر نشان می‌دهد که این نویسنده مطرح در زمینه تاریخی تا چه اندازه احساس مسئولیت و تعهد کرده است و به دور از نگاه دسته بندی‌های داخلی، همه هنرمندان اصیل خود را داشته است. واکنش هنرمندان دیگر بعد از این اتفاق نشان‌دهنده این استت که سردار سلیمانی گشتمان تازه‌ای را شکل می‌دهد و باید از این موضوع صیانت کرد. اسطوره‌ها تا زمانی که گشتمان‌ها از برخی مسئولان نگران هستم که نتوانند از گشتمانی که شکل گرفته است، صیانت و آن را تکثیر و جاری کنند.

و باید قدر مردم که ذخیره‌های بشری و الهی هستند و امثال قاسم سلیمانی‌ها از بین آنان شکل گرفته است را دانست. اگر مسئولان ما حصارها را بشکنند، فاصله‌ها را کم کنند، با این مردم یکی شوند و از این گشتمان تازه صیانت کنند، بعد از قاسم سلیمانی وارد دوره تازه‌ای خواهیم شد زیرا ریخته شدن خون این شهید رویداد بزرگی است که می‌تواند تاریخ را به پیش و بعد از خود تقسیم کند. به شرط آنکه بتوانیم این موضوع را به‌همچم و با فعالیت‌های نابجا موجب تضعیف خون سردار نشویم. هیچ شکی نیست که از دست دادن سردار سلیمانی غریبال جبران خواهد بود؛ اما سردار در مقطع بسیار حساسی در منطقه ایران، جهان اسلام و جهان معاصر شهید شد که همین امر تاثیرگذاری این شهادت را بیشتر می‌کند؛ بنابراین نمی‌توانیم به طور قطع بگوییم زندگی پر برکت سردار سلیمانی تاثیرگذارتر بوده است که شهاده‌اش. از این به بعد رسالت این اتفاق در دست ماست که با شهادت او بتوانیم گشتمان تازه‌ای ایجاد کنیم تا مثل سبلی بنیان برافکن استکبار جهانی را از منطقه ما خارج کند. اما اگر نتوانی از برخورد درست و با آن نداشته‌باشیم، احتمال دارد تاثیرگذاری این امر تحت‌الشعاع قرار بگیرد. شهید سلیمانی کار خود را به نحو احسن انجام داد و کشت او کامل بود، این به بعد دست مسئولان و مردم است که بتوانند از اهداف این شهید صیانت کنند و او را بسیار بزرگ‌تر از زمانی که زنده بود، بداندند. ما باید نسبت به مسئولیت خود آگاهی کامل پیدا کنیم. زیرا فعالیت‌های سردار سلیمانی از این به بعد به دست ما و جوانان سپرده شده است.

بنابراین افراد را هم که نظرات دیگری درباره سردار سلیمانی دارند، تحریب و تحکم مردم را در این موضوع نشان می‌دهد این حسنه از افراد قاسم سلیمانی را شناخته‌اند. آنها وضع موجود را نپذیرفته‌اند. برخی از این افراد نمی‌خورده استسبب‌های اجتماعی و برخی دیگر خبر خورده اوقات و اختلاس‌ها هستند، در حالی که برای موارد را هم به تفکیک کنیم. همه ما در برخی موارد ضربه‌هایی خوردیم که باید اصلاح و ترمیم شوند، باید از ملت دلجویی و به آنها خدمت کنیم. اما این که امروز یکی از اعضای خانواده ایران ناجوئرمندانه توسط یک قدرت قلدر که نمی‌دانیم در منطقه چه کار دارد، شهید شده است، مسلم دیگری است؛ بنابراین نباید به نظرات افراد بی‌احترامی که همه آن فکر می‌کنم برخاست دچار خلط مباحث شده‌اند. باید قاسم سلیمانی از مسائل دیگر جدا کرد. قاسم سلیمانی را باید از مسائل اجتماعی و اختلاس‌ها جدا کرد. سردار سلیمانی با باید آن طور که هست ثابت و خالص بشناسیم و به آن توجه کنیم. که آمریکا با ناخواهمردی و با خواروی و خقارت خود این اسطوره بزرگ را هدف قرار می‌دهد، نشان‌دهنده بزرگی پیش از حد سردار سلیمانی است.

به عقیده من بزرگترین مراسم تشییع پیکر یک نظامی در تمام تاریخ ایران برای سردار قاسم سلیمانی برگزار شد و بسیاری از جمله غربی‌ها متوجه می‌شوند که پیش از این سردار را از خود بشناسند. چون تراپ غربی‌ها را درباره قاسم سلیمانی فریب دارد. تراپ درت لوهدی است که برای به‌دست آوردن پست ریاست جمهوری حاضر است دروغ بگوید و مردم را فریب دهد و حاضر است انسان‌های بسیاری را قربانی کند. مسئولان ما باید قدر مردم را در او ببینند و وفای عاقلانه و رشو و پاسخ او را بدهند. مردم ما بسیار بزرگ هستند و منتظر یک آدم بزرگ بودند تا خودشان را در این آدم بزرگ باز ببینند و سردار سلیمانی توانست شخصیتی باشد که شناسایی مردم بزرگ را داشته باشد و این مردم خوشان را به یکباره در سردار سلیمانی متجلی دیدند؛ به همین دلیل افرادی که جنبه مثبتی برای سردار سلیمانی قائل هستند، تمامی صفات‌های خوب ملت قدس، اسطوره و کارویزما را در وجود او می‌بینند. زیرا هر پرسی می‌توانست متوجه می‌شوند او نه اختلاس کرد و نه سوء مدیریت داشت. توانمند، خالص و صادق بود و همه منتظر بودند چنین ویژگی‌هایی ظهور و همه ما را به هم متصل کند.

رئیس جمهوری اسلامی ایران با اشاره

به نقش مهم و تعیین کننده شهید سیهید حاج قاسم سلیمانی در تأمین امنیت منطقه و حفظ ترویس، گفت: او حق بزرگی بر گردن ملت‌های منطقه و اقادات او علیه دشمنان دارد. امروز خطرات بزرگی اروپا را تهدید می‌کرد.

حجت الاسلام والمسلمین دکتر حسن روحانی شامگاه گذشته در تماس تلفنی «مانوئل مکرون» رئیس جمهوری فرانسه با وی، با بیان این که امروز ملت ایران به خاطر جایات آمریکا مترو شهید سلیمانی یک اشتباه راهبردی بزرگ مرتکب شدند.

وی اظهار امیدواری کرد تا همه کشورهای که خواهان صلح و امنیت پایدار در جهان هستند در برابر این جایات و اقدام تروریستی مواقع طاعنی اتخاذ کنند.

رئیس جمهوری با بیسان این که اهداف آمریکا از این اقدام تروریستی پی نزدیک محقق نشده است و نتیجه‌ای معکوس برای آنها خواهد داشت، افزود: بعد از این جایات اتحاد و همبستگی ملت ایران بیش از زمان دیگر پودیم و همچنین ملت ایران و عراق بیش از پیش به هم نزدیک ماند اند.

روحانی با تاکید بر این که شهید سیهید سلیمانی به دعوت دولت عراق و برای ملاقات

با نخست وزیر این کشور به بغداد سفر کرده بود، گفت: این اقدام آمریکا نقض حاکمیت عراق، اهانت به دولت و ملت این کشور و جنایتی بزرگ و نابخشودنی علیه ملت ایران بوده است.

وی با اشاره به مطالبه مردم ایران برای پاسخ به آمریکا،خاطر نشان کرد: مسئولیت عواقب این ترور و پیامدهای آن بر عهده دولت آمریکا است. رئیس جمهوری با اشاره به تأسف و تأثر آزادخیوها و مسلمانان جهان در شهادت سیهید سلیمانی و تفاهرات عظیم آنان در بسیاری از کشورها و حتی برخی شهرهای اروپایی، افزود: آمریکایی‌ها باید بدانند که امروز امنیت و منافع آنها در سرتاسر منطقه با شرایط جدید مواجه است و نمی توانند از عواقب این جایات بزرگ مصون بمانند.

روحانی با تاکید بر این که امنیت منطقه به غمی بسوزگ قرار دارد، گفت: هدف سردار سلیمانی برقراری امنیت و ثبات پایدار در منطقه بود و او تفاهات مبارزه با تروریسم به شمار می‌رود.

وی با اشاره به تصمیم مهم پارلمان عراق در واکنش به اقدام تروریستی آمریکا، گفت: معتقدیم امنیت منطقه فقط توسط کشورهای منطقه تأمین می‌شود، هیچ کس از تنش در منطقه سودی نمی‌برد و ی ثباتی در این منطقه می تواند برای کل جهان خطرناک باشد.

روحانی خطاب به مکرون: شهید سلیمانی حق بزرگی بر گردن اروپا دارد

رئیس جمهوری تصریح کرد: ایران هرگز به دنبال جنگ و تاشی در منطقه نیست، اما نسبت به عراق، اهانت به دولت و ملت این کشور و جنایتی بزرگ و نابخشودنی علیه ملت ایران بوده است.

وی با اشاره به مطالبه مردم ایران برای پاسخ به آمریکا،خاطر نشان کرد: مسئولیت عواقب این ترور و پیامدهای آن بر عهده دولت آمریکا است. رئیس جمهوری با اشاره به تأسف و تأثر آزادخیوها و مسلمانان جهان در شهادت سیهید سلیمانی و تفاهرات عظیم آنان در بسیاری از کشورها و حتی برخی شهرهای اروپایی، افزود: آمریکایی‌ها باید بدانند که امروز امنیت و منافع آنها در سرتاسر منطقه با شرایط جدید مواجه است و نمی توانند از عواقب این جایات بزرگ مصون بمانند.

روحانی با تاکید بر این که امنیت منطقه به غمی بسوزگ فوریت این طرح و سبب کلیات و جزئیات آن به رای گذاشته و تصویب شد.

ایران پتاکون را نهاد تروریستی اعلام کرد

مراسم تشییع پیکر پاک شهید حاج قاسم سلیمانی و همراهان فداکارش که در عراق، در شهرهای بغداد، کابلچین، کربلا و نجف و چه در خوزستان و مشهد مقدس، تهران و قم و در کرمان چیزی نبود جز اقتباس سیرکان حضور مردم مسلمان به شغل تروریستی و تلوام آن است، آمریکا این گونه بروز دادند.



تقویت مساه قدس پیش بینی شده برای دو ماهه آخر امسال است و برای او، ربهبری گرفته شده است.

حضور مردم و رواندوم برای

تداوم مسیر مقاومت بود

رئیس مجلس هم در جلسه علنی جلسه در نظق پیش از دستور خودتاکید کرد: حضور ملیونی مردم در مراسم تشییع پیکر شهید قاسم سلیمانی، رفتاردوم برای تداوم مسیر مقاومت تلقی شد. به گزارش‌خانه جته ملت، دکتر علی لاریجانی گفت: در روزهای گذشته همه جهانیان با پدیده عجیب و منحصر به فردی مواجه شدند،

تقویت مساه قدس پیش بینی شده برای دو ماهه آخر امسال است و برای او، ربهبری گرفته شده است.

حضور مردم و رواندوم برای

رئیس مجلس در نظق پیش از دستور خودتاکید کرد: حضور ملیونی مردم در مراسم تشییع پیکر شهید قاسم سلیمانی، رفتاردوم برای تداوم مسیر مقاومت تلقی شد. به گزارش‌خانه جته ملت، دکتر علی لاریجانی گفت: در روزهای گذشته همه جهانیان با پدیده عجیب و منحصر به فردی مواجه شدند،

تقویت مساه قدس پیش بینی شده برای دو ماهه آخر امسال است و برای او، ربهبری گرفته شده است.

تقویت مساه قدس پیش بینی شده برای دو ماهه آخر امسال است و برای او، ربهبری گرفته شده است.

تقویت مساه قدس پیش بینی شده برای دو ماهه آخر امسال است و برای او، ربهبری گرفته شده است.

تقویت مساه قدس پیش بینی شده برای دو ماهه آخر امسال است و برای او، ربهبری گرفته شده است.

تقویت مساه قدس پیش بینی شده برای دو ماهه آخر امسال است و برای او، ربهبری گرفته شده است.

تقویت مساه قدس پیش بینی شده برای دو ماهه آخر امسال است و برای او، ربهبری گرفته شده است.

تقویت مساه قدس پیش بینی شده برای دو ماهه آخر امسال است و برای او، ربهبری گرفته شده است.

تقویت مساه قدس پیش بینی شده برای دو ماهه آخر امسال است و برای او، ربهبری گرفته شده است.

تقویت مساه قدس پیش بینی شده برای دو ماهه آخر امسال است و برای او، ربهبری گرفته شده است.

تقویت مساه قدس پیش بینی شده برای دو ماهه آخر امسال است و برای او، ربهبری گرفته شده است.

تقویت مساه قدس پیش بینی شده برای دو ماهه آخر امسال است و برای او، ربهبری گرفته شده است.

تقویت مساه قدس پیش بینی شده برای دو ماهه آخر امسال است و برای او، ربهبری گرفته شده است.

رئیس جمهوری تصریح کرد: ایران هرگز به

دنبال جنگ و تاشی در منطقه نیست، اما نسبت به عراق، اهانت به دولت و ملت این کشور و جنایتی بزرگ و نابخشودنی علیه ملت ایران بوده است.

وی با اشاره به مطالبه مردم ایران برای پاسخ به آمریکا،خاطر نشان کرد: مسئولیت عواقب این ترور و پیامدهای آن بر عهده دولت آمریکا است. رئیس جمهوری با اشاره به تأسف و تأثر آزادخیوها و مسلمانان جهان در شهادت سیهید سلیمانی و تفاهرات عظیم آنان در بسیاری از کشورها و حتی برخی شهرهای اروپایی، افزود: آمریکایی‌ها باید بدانند که امروز امنیت و منافع آنها در سرتاسر منطقه با شرایط جدید مواجه است و نمی توانند از عواقب این جایات بزرگ مصون بمانند.

روحانی با تاکید بر این که امنیت منطقه به غمی بسوزگ فوریت این طرح و سبب کلیات و جزئیات آن به رای گذاشته و تصویب شد.

ایران پتاکون را نهاد تروریستی اعلام کرد

مراسم تشییع پیکر پاک شهید حاج قاسم سلیمانی و همراهان فداکارش که در عراق، در شهرهای بغداد، کابلچین، کربلا و نجف و چه در خوزستان و مشهد مقدس، تهران و قم و در کرمان چیزی نبود جز اقتباس سیرکان حضور مردم مسلمان به شغل تروریستی و تلوام آن است، آمریکا این گونه بروز دادند.

رئیس مجلس در نظق پیش از دستور خودتاکید کرد: حضور ملیونی مردم در مراسم تشییع پیکر شهید قاسم سلیمانی، رفتاردوم برای تداوم مسیر مقاومت تلقی شد. به گزارش‌خانه جته ملت، دکتر علی لاریجانی گفت: در روزهای گذشته همه جهانیان با پدیده عجیب و منحصر به فردی مواجه شدند،

تقویت مساه قدس پیش بینی شده برای دو ماهه آخر امسال است و برای او، ربهبری گرفته شده است.

تقویت مساه قدس پیش بینی شده برای دو ماهه آخر امسال است و برای او، ربهبری گرفته شده است.

تقویت مساه قدس پیش بینی شده برای دو ماهه آخر امسال است و برای او، ربهبری گرفته شده است.

تقویت مساه قدس پیش بینی شده برای دو ماهه آخر امسال است و برای او، ربهبری گرفته شده است.

تقویت مساه قدس پیش بینی شده برای دو ماهه آخر امسال است و برای او، ربهبری گرفته شده است.

تقویت مساه قدس پیش بینی شده برای دو ماهه آخر امسال است و برای او، ربهبری گرفته شده است.

تقویت مساه قدس پیش بینی شده برای دو ماهه آخر امسال است و برای او، ربهبری گرفته شده است.

تقویت مساه قدس پیش بینی شده برای دو ماهه آخر امسال است و برای او، ربهبری گرفته شده است.

تقویت مساه قدس پیش بینی شده برای دو ماهه آخر امسال است و برای او، ربهبری گرفته شده است.

تقویت مساه قدس پیش بینی شده برای دو ماهه آخر امسال است و برای او، ربهبری گرفته شده است.

تقویت مساه قدس پیش بینی شده برای دو ماهه آخر امسال است و برای او، ربهبری گرفته شده است.

تقویت مساه قدس پیش بینی شده برای دو ماهه آخر امسال است و برای او، ربهبری گرفته شده است.

تقویت مساه قدس پیش بینی شده برای دو ماهه آخر امسال است و برای او، ربهبری گرفته شده است.

تقویت مساه قدس پیش بینی شده برای دو ماهه آخر امسال است و برای او، ربهبری گرفته شده است.

تقویت مساه قدس پیش بینی شده برای دو ماهه آخر امسال است و برای او، ربهبری گرفته شده است.

تقویت مساه قدس پیش بینی شده برای دو ماهه آخر امسال است و برای او، ربهبری گرفته شده است.

تقویت مساه قدس پیش بینی شده برای دو ماهه آخر امسال است و برای او، ربهبری گرفته شده است.

تقویت مساه قدس پیش بینی شده برای دو ماهه آخر امسال است و برای او، ربهبری گرفته شده است.

تقویت مساه قدس پیش بینی شده برای دو ماهه آخر امسال است و برای او، ربهبری گرفته شده است.

تقویت مساه قدس پیش بینی شده برای دو ماهه آخر امسال است و برای او، ربهبری گرفته شده است.

تقویت مساه قدس پیش بینی شده برای دو ماهه آخر امسال است و برای او، ربهبری گرفته شده است.

تقویت مساه قدس پیش بینی شده برای دو ماهه آخر امسال است و برای او، ربهبری گرفته شده است.

تقویت مساه قدس پیش بینی شده برای دو ماهه آخر امسال است و برای او، ربهبری گرفته شده است.

تقویت مساه قدس پیش بینی شده برای دو ماهه آخر امسال است و برای او، ربهبری گرفته شده است.

تقویت مساه قدس پیش بینی شده برای دو ماهه آخر امسال است و برای او، ربهبری گرفته شده است.

تقویت مساه قدس پیش بینی شده برای دو ماهه آخر امسال است و برای او، ربهبری گرفته شده است.

تقویت مساه قدس پیش بینی شده برای دو ماهه آخر امسال است و برای او، ربهبری گرفته شده است.

تقویت مساه قدس پیش بینی شده برای دو ماهه آخر امسال است و برای او، ربهبری گرفته شده است.

تقویت مساه قدس پیش بینی شده برای دو ماهه آخر امسال است و برای او، ربهبری گرفته شده است.

تقویت مساه قدس پیش بینی شده برای دو ماهه آخر امسال است و برای او، ربهبری گرفته شده است.

وزیر دفاع روسیه: سیهید قاسم سلیمانی قهرمان ملی است



وزیر دفاع روسیه در گفتگوی تلفنی با رئیس ستادکل نیروهای مسلح، شهادت سردار سلیمانی را به ملت، دولت و نیروهای مسلح ایران تسلیت گفت.

به گزارش ایسنا، ژنرال شایگو وزیر دفاع روسیه، تاکید کرد: سیهید قاسم سلیمانی قهرمان ملی است و نقش بسیار مهمی در شکست تروریسم در سوریه و عراق داشت.

ژنرال شایگو اضافه کرد: ترور شهید سلیمانی، اقدامی پستفرد بین کشورها بوده و این اولین باری استت که یک مقام ارشد توسط یک کشور دیگر بدون هیچ دلیلی در خاک کشور ثالثی ترور می‌شود.وی تصریح کرد: اقدام تروریستی علیه سردار سلیمانی، عملیاتی بسیار خطرناکی بود که مخالفت مردم جهان و حتی مردم اروپا و آمریکا را به همراه داشت. واقعیت این است که آمریکا بدون هیچ دلیلی به خود حق مداخله در امور دیگر کشورها را داده است.

رئیس جمهوری فرانسه هم در این تماس تلفنی اعلام کرد: اقدام جایات امیز آمریکا در ترور سردار شهید سیهید سلیمانی، مبدا تحولات بزرگی در منطقه خواهد بود.وی افزود: ایران، روسیه و همه کشورهای آزاد و مستقل جهان باید در مقابل اقدامیابستند اجازه تکرار این گونه اقدامات را ندهند. رئیس ستادکل نیروهای مسلح تاکید کرد: آمریکایی‌ها نتیجه این اقدام جایاتکارانه خود را خواهند دید و این ایران است که زمان و مکان و چگونگی این اقدام را تعیین خواهد کرد.

اینها لایحه‌ای است که در زمانه فعلی با رئیس

جمهوری در آمریکا مواجه هستیم

که در عراق، در شهرهای بغداد، کابلچین، کربلا و نجف و چه در خوزستان و مشهد مقدس، تهران و قم و در کرمان چیزی نبود جز اقتباس سیرکان حضور مردم مسلمان به شغل تروریستی و تلوام آن است، آمریکا این گونه بروز دادند.

رئیس مجلس در نظق پیش از دستور خودتاکید کرد: حضور ملیونی مردم در مراسم تشییع پیکر شهید قاسم سلیمانی، رفتاردوم برای تداوم مسیر مقاومت تلقی شد.

رئیس مجلس در نظق پیش از دستور خودتاکید کرد: حضور ملیونی مردم در مراسم تشییع پیکر شهید قاسم سلیمانی، رفتاردوم برای تداوم مسیر مقاومت تلقی شد.

رئیس مجلس در نظق پیش از دستور خودتاکید کرد: حضور ملیونی مردم در مراسم تشییع پیکر شهید قاسم سلیمانی، رفتاردوم برای تداوم مسیر مقاومت تلقی شد.

رئیس مجلس در نظق پیش از دستور خودتاکید کرد: حضور ملیونی مردم در مراسم تشییع پیکر شهید قاسم سلیمانی، رفتاردوم برای تداوم مسیر مقاومت تلقی شد.

رئیس مجلس در نظق پیش از دستور خودتاکید کرد: حضور ملیونی مردم در مراسم تشییع پیکر شهید قاسم سلیمانی، رفتاردوم برای تداوم مسیر مقاومت تلقی شد.

رئیس مجلس در نظق پیش از دستور خودتاکید کرد: حضور ملیونی مردم در مراسم تشییع پیکر شهید قاسم سلیمانی، رفتاردوم برای تداوم مسیر مقاومت تلقی شد.

رئیس مجلس در نظق پیش از دستور خودتاکید کرد: حضور ملیونی مردم در مراسم تشییع پیکر شهید قاسم سلیمانی، رفتاردوم برای تداوم مسیر مقاومت تلقی شد.

رئیس مجلس در نظق پیش از دستور خودتاکید کرد: حضور ملیونی مردم در مراسم تشییع پیکر شهید قاسم سلیمانی، رفتاردوم برای تداوم مسیر مقاومت تلقی شد.

رئیس مجلس در نظق پیش از دستور خودتاکید کرد: حضور ملیونی مردم در مراسم تشییع پیکر شهید قاسم سلیمانی، رفتاردوم برای تداوم مسیر مقاومت تلقی شد.

رئیس مجلس در نظق پیش از دستور خودتاکید کرد: حضور ملیونی مردم در مراسم تشییع پیکر شهید قاسم سلیمانی، رفتاردوم برای تداوم مسیر مقاومت تلقی شد.

رئیس مجلس در نظق پیش از دستور خودتاکید کرد: حضور ملیونی مردم در مراسم تشییع پیکر شهید قاسم سلیمانی، رفتاردوم برای تداوم مسیر مقاومت تلقی شد.

رئیس مجلس در نظق پیش از دستور خودتاکید کرد: حضور ملیونی مردم در مراسم تشییع پیکر شهید قاسم سلیمانی، رفتاردوم برای تداوم مسیر مقاومت تلقی شد.

رئیس مجلس در نظق پیش از دستور خودتاکید کرد: حضور ملیونی مردم در مراسم تشییع پیکر شهید قاسم سلیمانی، رفتاردوم برای تداوم مسیر مقاومت تلقی شد.

رئیس مجلس در نظق پیش از دستور خودتاکید کرد: حضور ملیونی مردم در مراسم تشییع پیکر شهید قاسم سلیمانی، رفتاردوم برای تداوم مسیر مقاومت تلقی شد.

رئیس مجلس در نظق پیش از دستور خودتاکید کرد: حضور ملیونی مردم در مراسم تشییع پیکر شهید قاسم سلیمانی، رفتاردوم برای تداوم مسیر مقاومت تلقی شد.

رئیس مجلس در نظق پیش از دستور خودتاکید کرد: حضور ملیونی مردم در مراسم تشییع پیکر شهید قاسم سلیمانی، رفتاردوم برای تداوم مسیر مقاومت تلقی شد.

رئیس مجلس در نظق پیش از دستور خودتاکید کرد: حضور ملیونی مردم در مراسم تشییع پیکر شهید قاسم سلیمانی، رفتاردوم برای تداوم مسیر مقاومت تلقی شد.

رئیس مجلس در نظق پیش از دستور خودتاکید کرد: حضور ملیونی مردم در مراسم تشییع پیکر شهید قاسم سلیمانی، رفتاردوم برای تداوم مسیر مقاومت تلقی شد.

رئیس مجلس در نظق پیش از دستور خودتاکید کرد: حضور ملیونی مردم در مراسم تشییع پیکر شهید قاسم سلیمانی، رفتاردوم برای تداوم مسیر مقاومت تلقی شد.

رئیس مجلس در نظق پیش از دستور خودتاکید کرد: حضور ملیونی مردم در مراسم تشییع پیکر شهید قاسم سلیمانی، رفتاردوم برای تداوم مسیر مقاومت تلقی شد.

رئیس مجلس در نظق پیش از دستور خودتاکید کرد: حضور ملیونی مردم در مراسم تشییع پیکر شهید قاسم سلیمانی، رفتاردوم برای تداوم مسیر مقاومت تلقی شد.

رئیس مجلس در نظق پیش از دستور خودتاکید کرد: حضور ملیونی مردم در مراسم تشییع پیکر شهید قاسم سلیمانی، رفتاردوم برای تداوم مسیر مقاومت تلقی شد.

رئیس مجلس در نظق پیش از دستور خودتاکید کرد: حضور ملیونی مردم در مراسم تشییع پیکر شهید قاسم سلیمانی، رفتاردوم برای تداوم مسیر مقاومت تلقی شد.

رئیس مجلس در نظق پیش از دستور خودتاکید کرد: حضور ملیونی مردم در مراسم تشییع پیکر شهید قاسم سلیمانی، رفتاردوم برای تداوم مسیر مقاومت تلقی شد.

رئیس مجلس در نظق پیش از دستور خودتاکید کرد: حضور ملیونی مردم در مراسم تشییع پیکر شهید قاسم سلیمانی، رفتاردوم برای تداوم مسیر مقاومت تلقی شد.

رئیس مجلس در نظق پیش از دستور خودتاکید کرد: حضور ملیونی مردم در مراسم تشییع پیکر شهید قاسم سلیمانی، رفتاردوم برای تداوم مسیر مقاومت تلقی شد.

رئیس مجلس در نظق پیش از دستور خودتاکید کرد: حضور ملیونی مردم در مراسم تشییع پیکر شهید قاسم سلیمانی، رفتاردوم برای تداوم مسیر مقاومت تلقی شد.

رئیس مجلس در نظق پیش از دستور خودتاکید کرد: حضور ملیونی مردم در مراسم تشییع پیکر شهید قاسم سلیمانی، رفتاردوم برای تداوم مسیر مقاومت تلقی شد.

رئیس مجلس در نظق پیش از دستور خودتاکید کرد: حضور ملیونی مردم در مراسم تشییع پیکر شهید قاسم سلیمانی، رفتاردوم برای تداوم مسیر مقاومت تلقی شد.

رئیس مجلس در نظق پیش از دستور خودتاکید کرد: حضور ملیونی مردم در مراسم تشییع پیکر شهید قاسم سلیمانی، رفتاردوم برای تداوم مسیر مقاومت تلقی شد.

چهارشنبه ۱۸ دی ۱۳۹۸۱۲ جمادی‌الاول ۱۴۴۱۸-ژانویه ۲۰۲۰-سال نوید چهارم- شماره ۲۳۴۷۱

کتابخانه و کتاب

انتقام، انتقام، انتقام

انتقام مدبرانه و دراز مدت تحت هدایت مستقیم فرماندهی کل قوا

هشدار: دشمن می‌خواهد ما را به جنگی ویران

پی‌اوه‌اوش

کرمان در قاب باشکوه‌ترین بدرقه تاریخ

سیدمحمدعلی گلایزه‌اده رئیس بنیاد ایران‌شناسی شهید کرمانی

در میان ویژگی‌های منحصره فردی که زندگی و شهادت سردار سرفراز ایران، حاج قاسم سلیمانی از خود برجای گذاشت، این مورد استثنائی را نیز باید افزود که بدرقه‌اش به عنوان باشکوه‌ترین تشییع جنازه تاریخ کرمان، ثبت شد. البته این بدان معنا نیست که امتیاز اخیر برای دیگر بدرقه‌های چند روز اخیر، منظور نباشد و مرتبه بالای آن را در جهان فراموش کرده باشیم. تاریخ کرمان چند بدرقه باشکوه را ثبت کرده است، از جمله بدرود مردم کرمان با پیکر مجاهد خشکی‌ناپذیر ایستاله حاج میرزا محمدرضا احمدی در سال ۱۳۳۵ خورشیدی که هزاران نفر از مردم خوش‌ساز دارالامان، به پاس تلاش‌های بی‌امان و سبزی همیشگی او به پیادگردی‌های قاجار و از سوی مردم کرمان، مشاهده آن بدرقه عظیم – با آب و تاب به شرس و بسط اسم تشییع می‌پردازد: برخی پیران از آن روز و به قول خودشان به عنوان «مهر بزرگ» یاد می‌کنند. تردید نیست که پاسداشت این مجتهد برجسته، ستم‌ستیز بزرگ و چهره نامور مبارزه را پیادگردی‌های قاجار و از سوی مردم کرمان یک تقدیر و تقدیس است، اما اگر جمعیت کرمان را در سال ۱۳۳۵ حاکم یکصد هزار نفر بدانیم و از این رقم حداکثر هشتاد هزار نفر یعنی هشتاد درصد کرمانی‌ها که آن‌روز تشییع کرده باشند و این اعداد را هم را با آنچه دیروز تاریخ جهان شاهد آن بود مقایسه کنیم، آنگوت باید بدنبال اطلاعاتی نو و وژاری تازه باشیم که بتواند یابگار آن شکوه حماسه و روز نظیر تاریخ و یا در دارالامان باشد. جمعیت کنونی کرمان قریب هفتصد هزار نفر است و شمار گالی که دیروز در مراسم بدرقه حاج‌قاسم حضور پیدا کردند، دست‌کم یک میلیون نفر برآورد شد، یعنی بیش از یکصد و چهل درصد و یک و نیم برابر جمعیت شهر کرمان، رقمی که هرگز در تاریخ این شهر سابقه نداشته و شاید ده‌ها سال دیگر چنین شکوهی در تاریخ دیار دارالامان دیده نشود. اگر این رقم را با بدرقه‌های عبوری دیگری که در شهرهای شیراز، آبادان، همدان و… همران، با کرمان انجام شد بغزاییم و جمع بدرقه‌کنندگان او در شهرهای عراق و لبنان، مشهد، تهران و قم را اضافه کنیم، آنگوت رقمی چند ده میلیون نفری باشد، اما ما را جرئت می‌بخشد که بگوئیم تاریخ تاکنون چنین شمار بدرقه‌کنندگانی را به خود ندیده است.

اینگن این پرسشی پیش می‌آید که اگر کرمن جمهور سبکپاوت آمریکا از این واقعیت آگاهی داشت و حتی می‌تواند از تصور خروشان جمعیتی که در قاب تلویزیون‌های جهان جای گرفت، به نظر می‌آورد، دست به چنین جنایت هولناکی می‌زد؟ و تازه باید به او گفت:

گمان مبرکه به پایان رسيد کار مغان
هزار جرعه تا خورده در رگ تاک است
ما که پیروزی خود در انتخابات پیش‌رو، پرمیاز از جنگ و نبرد نظامی می‌دانست، چگونه آتش اینچنین را برافروخت و مهلک‌ترین ضربه‌ها را بر پیکر سرمیشش تدارک دید؟

تاریخ، نمونه‌های متعددی دارد که رویدادهایی از این‌دست، گاه به برافروزی شده‌های منجر شده و اندک بسیاری از سربازان را گرفته و هزاران انسان را به کام مرگ کشانده است. از یاد نبریم که جنگ جهانی اول هنگامی آغاز شد که دولت‌های مانند ترابپ به نام پرپسپ در سارایه و بی‌توجه به عقاب اثار، «آرژنسدورک فرانسوا فوریتا»د، لویهد آتریش را به قتل رساند. به دنبال این رویداد آتریش با صربستان اعلام جنگ کرد و وارد مجارستان و به تدریج کشورهای دیگر، جنگ جهانی اول آغاز شد. گفتگفا که ترویرست‌های آن رویداد، یعنی گروه «سلیت سیاه» با ترویرست حادثه اخیر یعنی ترابپ شباهت داشته و هر دو از ادیان یار سیاهی‌ها بوده و هشتاد زیر آنها ترویرست دل سیاهی چون رئیس جمهور آمریکای می‌توانست دست به چنین جنایت وحشتناکی بزند.

به امروز نیز باید گفت که انتظار انتقام سخت و دشواری باشد که حماقت رئیس جمهور آمریکایی و مسبب آن است. سردار سرفراز اسلام، فرزند خلف ایران و سرباز فلاکش و جان پرگف کرمان پس از قریب نیم قرن که هرگز سر آرام بر پلین نداشت و همه عمر به اندیشه تقابل با دشمنان ستمکار چون صدام و داعش و اسرائیل و آمریکا بود، سرانجام رسالت خطیر خویش را به پایان برد و با شوالی از عشق، ارادت و اخلاص، خواب آرام و ابدی خود را آغاز کرد، اما دشمنان بداندن که این، آغازی بر یک پایان است زیرا ترابپ و مپ‌پالگي‌ها از دیگر در هیچ جنایت دنیا ارامش و امنیت نخواهند داشت، خون ناحق ریخته حاج قاسم را یاران هم‌راهش زنجیری بر دست و پای آنان زده و خواب را بر پلکشان خواهد شکست.

<div> </div> 	<div> </div>
<div> </div> الیس الصبح قریب	
روز شهادت سردار سلیمانی به نام «روز جهانی مقاومت» در تقویم ثبت می‌شود	
۱۳دی در تقویم به عنوان «روز جهانی مقاومت» ثبت شده.پ گزارش ایسنا، با پیشنهاد بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، درج ۱۳دی ماه، روز شهادت سردار شهید قاسم سلیمانی به عنوان «روز جهانی مقاومت» در تقویم رسمی کشور، صبح دیروز در شورای فرهنگ عمومی کشور به تصویب رسید.	

<div> </div> 	<div> </div>
<div> </div> شماره ۳۷ سر مشق منتشر شد	
<div> </div> شماره سی و هفتم «سرمشق» ماهنامه فرهنگی، اجتماعی استان کرمان در ۱۶۸ صفحه منتشر شد.	
<div> </div> ایزد بنامه،مدیرمسئول و سرپرست، یادداشتی به بهانه گران‌شدن شبانه‌بزین با عنوان کاپوس سبکگاهی نوشته و در متن خود آورده است: این روزها حالم‌ان خوب نیست؛ حال هیچ‌کس خوب نیست، پارهای بد سلیگن‌ها باعث شده است که شرایط سختی زیر بار گذر، پنج‌شنبه شب ۲۳ در شب طوفانی آغاز شده و مردم خواب‌ورده‌با نگ یک تصمیم ناگهانی و کاپوسی تمام‌ناشدنی از خواب ناز بیدار شدند. در ادامه دیدم اسام، بخش سیزدهم یادداشت خود با عنوان از دبستان تا دبستان را نوشته است. کودنای کتک و بادمعان در جنگل قامت مقام کرمان، عنوان ششمین بخش از یادداشت عل مغفطی کرماتی است. تلویزیون، سرمشق کودکان از عباس تقی‌زاده و انتظار از فرزاد حیدری از دیگر یادداشت‌ها هستند. همچنین بیست و یکمین بخش از خاطرات روزنامه‌نگاری محمد علی علومی نیز در این شماره منتشر شده است. موضوع این شماره از نشریه سرمشق «دوکانگی در تعلیق» است که با مطالب مختلفی درباره کودکان اختصاص یافته است. برخی از مطالب منتشر شده در این شماره عبارتند از: گفتگویی با احمد اکبرپور، نویسنده کودک و نوجوان با عنوان از کتاب‌های کودکان پرسش‌ها و موضوع کودک و نوجوان در فیلم‌های تولید شده کرمان؛ گفتگو با شهاب شیعی‌مقدم، گرافیست و تصویرگر با عنوان تصویرگر کودک باید خودش را جدی کودک ببیند. همچنین میزگردی درباره آموزش تئاتر کودک با حضور مازیار رشید صالحی، بالله الله عالی‌عاسی، دبیران تاج سلیمان، محسن میرزایی منتشر شده است و بخش موسیقی، گزارشی درباره دوره‌های جشنواره موسیقی نواحی و همچنین میزگردی با موضوع آموزش موسیقی کودک دارد.	

کسب جایزه بو کالتر کیهان‌شناسی ۲۰۱۹ توسط دو دانش آموخته دانشگاه شریف

<div> </div> 	<div> </div>
<div> </div> دانش آموختگان دانشگاه شریف با اپژواکی از مغاک: سیاهچاله فوق چرخان باقی مانده از دوتایی مستشاره نورتنوری رویداد ۱۷۰۸GW، موقی به کسب جایزه بو کالتر ۲۰۱۹ بودند.	
<div> </div> به گزارش ایسنا، جایزه بوکالتر هر سال به ایده‌های جدید و پیشرو در زمینه کیهان‌شناسی و گزارش نظری و ریاضی داده می‌شود.ایده‌هایی که موفق به رانگشایی درپچه جدیدی برای فهم ما از رصبات دنیاشونده کیهان شوند.	
<div> </div> دکتر جاهد عابدی، دانش‌آموخته دکتری دانشگاه فیزیک دانشگاه صنعتی شریف و دکتر ناییش افشردی، کیهان شناس و اخترفیزیکدان شهر، دانش‌آموخته دوره کارشناسی دانشگاه فیزیک دانشگاه شریف و دکتر دانشگاه پرینستون با مقاله خیرساز و همشان پژوهاکی از مغاک: سیاهچاله فوق چرخان باقی مانده از دوتایی ستاره نورتنوری رویداد ۱۷۰۸GW این جایزه را دریافت کردند.	
<div> </div> هیأت داوران جایزه معتبر بوکالتر پژوهش جاهد و داریاش که در مجله Journal of Cosmology and Astroparticle Physics به سردبیه استسار و استسار پژوهش‌ها و قدمی نوآورانه در درک پدیده گزارش کوانتومی نامیده‌اند. ابدی‌کی می‌تواند اطلاعات جدیدی از درون سیاهچاله و گرانش کوانتومی به دست دهد.	

دانش آموختگان دانشگاه شریف با اپژواکی از مغاک: سیاهچاله فوق چرخان باقی مانده از دوتایی مستشاره نورتنوری رویداد ۱۷۰۸GW، موقی به کسب جایزه بو کالتر ۲۰۱۹ بودند.

به گزارش ایسنا، جایزه بوکالتر هر سال به ایده‌های جدید و پیشرو در زمینه کیهان‌شناسی و گزارش نظری و ریاضی داده می‌شود.ایده‌هایی که موفق به رانگشایی درپچه جدیدی برای فهم ما از رصبات دنیاشونده کیهان شوند.

دکتر جاهد عابدی، دانش‌آموخته دکتری دانشگاه فیزیک دانشگاه صنعتی شریف و دکتر ناییش افشردی، کیهان شناس و اخترفیزیکدان شهر، دانش‌آموخته دوره کارشناسی دانشگاه فیزیک دانشگاه شریف و دکتر دانشگاه پرینستون با مقاله خیرساز و همشان پژوهاکی از مغاک: سیاهچاله فوق چرخان باقی مانده از دوتایی ستاره نورتنوری رویداد ۱۷۰۸GW این جایزه را دریافت کردند.
هیأت داوران جایزه معتبر بوکالتر پژوهش جاهد و داریاش که در مجله Journal of Cosmology and Astroparticle Physics به سردبیه استسار و استسار پژوهش‌ها و قدمی نوآورانه در درک پدیده گزارش کوانتومی نامیده‌اند. ابدی‌کی می‌تواند اطلاعات جدیدی از درون سیاهچاله و گرانش کوانتومی به دست دهد.

دیدار سفیر ایران و مدیر کل یونسکو با محوریت حفاظت از میراث فرهنگی

در پی تهدید رئیس جمهوری آمریکا مبنی بر تحریک مراکز فرهنگی ایران،سفیر ایران در یونسکو ومديرکل یونسکو در دیدارهای مشترک بررسی این موضوع و تبعات آن بر حفظ میراث فرهنگی خاورمیانه تأکید کردند.

بسه گزارش روابط عمومی کمیسون ملی یونسکو– ایران، مدیر کل یونسکو، ادوی آزوله با سفیر ایران در یونسکو،احمد جدایی دلالی داشت که طی آن تنش‌های منطقه خاورمیانه را با تأکید ویژه بر موضوع میراث و فرهنگ بررسی کردند.

در این دیدار مدیرکل یونسکو، مستسزین بزرگ و سبزی همیشگی او به پیادگردی‌های قاجار و از سوی مردم کرمان یک تقدیر و تقدیس است، اما اگر جمعیت کرمان را در سال ۱۳۳۵ حاکم یکصد هزار نفر بدانیم و از این رقم حداکثر هشتاد هزار نفر یعنی هشتاد درصد کرمانی‌ها که آن‌روز تشییع کرده باشند و این اعداد را هم را با آنچه دیروز تاریخ جهان شاهد آن بود مقایسه کنیم، آنگوت باید بدنبال اطلاعاتی نو و وژاری تازه باشیم که بتواند یابگار آن شکوه حماسه و روز نظیر تاریخ و یا در دارالامان باشد. جمعیت کنونی کرمان قریب هفتصد هزار نفر است و شمار گالی که دیروز در مراسم بدرقه حاج‌قاسم حضور پیدا کردند، دست‌کم یک میلیون نفر برآورد شد، یعنی بیش از یکصد و چهل درصد و یک و نیم برابر جمعیت شهر کرمان، رقمی که هرگز در تاریخ این شهر سابقه نداشته و شاید ده‌ها سال دیگر چنین شکوهی در تاریخ دیار دارالامان دیده نشود. اگر این رقم را با بدرقه‌های عبوری دیگری که در شهرهای شیراز، آبادان، همدان و… همران، با کرمان انجام شد بغزاییم و جمع بدرقه‌کنندگان او در شهرهای عراق و لبنان، مشهد، تهران و قم را اضافه کنیم، آنگوت رقمی چند ده میلیون نفری باشد، اما ما را جرئت می‌بخشد که بگوئیم تاریخ تاکنون چنین شمار بدرقه‌کنندگانی را به خود ندیده است.

اینگن این پرسشی پیش می‌آید که اگر کرمن جمهور سبکپاوت آمریکا از این واقعیت آگاهی داشت و حتی می‌تواند از تصور خروشان جمعیتی که در قاب تلویزیون‌های جهان جای گرفت، به نظر می‌آورد، دست به چنین جنایت هولناکی می‌زد؟ و تازه باید به او گفت:

گمان مبرکه به پایان رسيد کار مغان
هزار جرعه تا خورده در رگ تاک است
ما که پیروزی خود در انتخابات پیش‌رو، پرمیاز از جنگ و نبرد نظامی می‌دانست، چگونه آتش اینچنین را برافروخت و مهلک‌ترین ضربه‌ها را بر پیکر سرمیشش تدارک دید؟

تاریخ، نمونه‌های متعددی دارد که رویدادهایی از این‌دست، گاه به برافروزی شده‌های منجر شده و اندک بسیاری از سربازان را گرفته و هزاران انسان را به کام مرگ کشانده است. از یاد نبریم که جنگ جهانی اول هنگامی آغاز شد که دولت‌های مانند ترابپ به نام پرپسپ در سارایه و بی‌توجه به عقاب اثار، «آرژنسدورک فرانسوا فوریتا»د، لویهد آتریش را به قتل رساند. به دنبال این رویداد آتریش با صربستان اعلام جنگ کرد و وارد مجارستان و به تدریج کشورهای دیگر، جنگ جهانی اول آغاز شد. گفتگفا که ترویرست‌های آن رویداد، یعنی گروه «سلیت سیاه» با ترویرست حادثه اخیر یعنی ترابپ شباهت داشته و هر دو از ادیان یار سیاهی‌ها بوده و هشتاد زیر آنها ترویرست دل سیاهی چون رئیس جمهور آمریکای می‌توانست دست به چنین جنایت وحشتناکی بزند.

به امروز نیز باید گفت که انتظار انتقام سخت و دشواری باشد که حماقت رئیس جمهور آمریکایی و مسبب آن است. سردار سرفراز اسلام، فرزند خلف ایران و سرباز فلاکش و جان پرگف کرمان پس از قریب نیم قرن که هرگز سر آرام بر پلین نداشت و همه عمر به اندیشه تقابل با دشمنان ستمکار چون صدام و داعش و اسرائیل و آمریکا بود، سرانجام رسالت خطیر خویش را به پایان برد و با شوالی از عشق، ارادت و اخلاص، خواب آرام و ابدی خود را آغاز کرد، اما دشمنان بداندن که این، آغازی بر یک پایان است زیرا ترابپ و مپ‌پالگي‌ها از دیگر در هیچ جنایت دنیا ارامش و امنیت نخواهند داشت، خون ناحق ریخته حاج قاسم را یاران هم‌راهش زنجیری بر دست و پای آنان زده و خواب را بر پلکشان خواهد شکست.

روز شهادت سردار سلیمانی به نام «روز جهانی مقاومت» در تقویم ثبت می‌شود

۱۳دی در تقویم به عنوان «روز جهانی مقاومت» ثبت شده.پ گزارش ایسنا، با پیشنهاد بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، درج ۱۳دی ماه، روز شهادت سردار شهید قاسم سلیمانی به عنوان «روز جهانی مقاومت» در تقویم رسمی کشور، صبح دیروز در شورای فرهنگ عمومی کشور به تصویب رسید.

شماره ۳۷ سر مشق منتشر شد

شماره سی و هفتم «سرمشق» ماهنامه فرهنگی، اجتماعی استان کرمان در ۱۶۸ صفحه منتشر شد.

ایزد بنامه،مدیرمسئول و سرپرست، یادداشتی به بهانه گران‌شدن شبانه‌بزین با عنوان کاپوس سبکگاهی نوشته و در متن خود آورده است: این روزها حالم‌ان خوب نیست؛ حال هیچ‌کس خوب نیست، پارهای بد سلیگن‌ها باعث شده است که شرایط سختی زیر بار گذر، پنج‌شنبه شب ۲۳ در شب طوفانی آغاز شده و مردم خواب‌ورده‌با نگ یک تصمیم ناگهانی و کاپوسی تمام‌ناشدنی از خواب ناز بیدار شدند. در ادامه دیدم اسام، بخش سیزدهم یادداشت خود با عنوان از دبستان تا دبستان را نوشته است. کودنای کتک و بادمعان در جنگل قامت مقام کرمان، عنوان ششمین بخش از یادداشت عل مغفطی کرماتی است. تلویزیون، سرمشق کودکان از عباس تقی‌زاده و انتظار از فرزاد حیدری از دیگر یادداشت‌ها هستند. همچنین بیست و یکمین بخش از خاطرات روزنامه‌نگاری محمد علی علومی نیز در این شماره منتشر شده است. موضوع این شماره از نشریه سرمشق «دوکانگی در تعلیق» است که با مطالب مختلفی درباره کودکان اختصاص یافته است. برخی از مطالب منتشر شده در این شماره عبارتند از: گفتگویی با احمد اکبرپور، نویسنده کودک و نوجوان با عنوان از کتاب‌های کودکان پرسش‌ها و موضوع کودک و نوجوان در فیلم‌های تولید شده کرمان؛ گفتگو با شهاب شیعی‌مقدم، گرافیست و تصویرگر با عنوان تصویرگر کودک باید خودش را جدی کودک ببیند. همچنین میزگردی درباره آموزش تئاتر کودک با حضور مازیار رشید صالحی، بالله الله عالی‌عاسی، دبیران تاج سلیمان، محسن میرزایی منتشر شده است و بخش موسیقی، گزارشی درباره دوره‌های جشنواره موسیقی نواحی و همچنین میزگردی با موضوع آموزش موسیقی کودک دارد.

کسب جایزه بو کالتر کیهان‌شناسی ۲۰۱۹ توسط دو دانش آموخته دانشگاه شریف

<div> </div> 	<div> </div>
<div> </div> دانش آموختگان دانشگاه شریف با اپژواکی از مغاک: سیاهچاله فوق چرخان باقی مانده از دوتایی مستشاره نورتنوری رویداد ۱۷۰۸GW، موقی به کسب جایزه بو کالتر ۲۰۱۹ بودند.	
<div> </div> به گزارش ایسنا، جایزه بوکالتر هر سال به ایده‌های جدید و پیشرو در زمینه کیهان‌شناسی و گزارش نظری و ریاضی داده می‌شود.ایده‌هایی که موفق به رانگشایی درپچه جدیدی برای فهم ما از رصبات دنیاشونده کیهان شوند.	
<div> </div> دکتر جاهد عابدی، دانش‌آموخته دکتری دانشگاه فیزیک دانشگاه صنعتی شریف و دکتر ناییش افشردی، کیهان شناس و اخترفیزیکدان شهر، دانش‌آموخته دوره کارشناسی دانشگاه فیزیک دانشگاه شریف و دکتر دانشگاه پرینستون با مقاله خیرساز و همشان پژوهاکی از مغاک: سیاهچاله فوق چرخان باقی مانده از دوتایی ستاره نورتنوری رویداد ۱۷۰۸GW این جایزه را دریافت کردند.	
<div> </div> هیأت داوران جایزه معتبر بوکالتر پژوهش جاهد و داریاش که در مجله Journal of Cosmology and Astroparticle Physics به سردبیه استسار و استسار پژوهش‌ها و قدمی نوآورانه در درک پدیده گزارش کوانتومی نامیده‌اند. ابدی‌کی می‌تواند اطلاعات جدیدی از درون سیاهچاله و گرانش کوانتومی به دست دهد.	

واکنش جهانی به اظهارات غیر قانونی ترامپ

دیدار سفیر ایران و مدیر کل یونسکو با محوریت حفاظت از میراث فرهنگی

<div> </div> 	<div> </div>
<div> </div> در پی تهدید رئیس جمهوری آمریکا مبنی بر تحریک مراکز فرهنگی ایران،سفیر ایران در یونسکو ومديرکل یونسکو در دیدارهای مشترک بررسی این موضوع و تبعات آن بر حفظ میراث فرهنگی خاورمیانه تأکید کردند.	
<div> </div> بسه گزارش روابط عمومی کمیسون ملی یونسکو– ایران، مدیر کل یونسکو، ادوی آزوله با سفیر ایران در یونسکو،احمد جدایی دلالی داشت که طی آن تنش‌های منطقه خاورمیانه را با تأکید ویژه بر موضوع میراث و فرهنگ بررسی کردند.	
<div> </div> در این دیدار مدیرکل یونسکو، مستسزین بزرگ و سبزی همیشگی او به پیادگردی‌های قاجار و از سوی مردم کرمان یک تقدیر و تقدیس است، اما اگر جمعیت کرمان را در سال ۱۳۳۵ حاکم یکصد هزار نفر بدانیم و از این رقم حداکثر هشتاد هزار نفر یعنی هشتاد درصد کرمانی‌ها که آن‌روز تشییع کرده باشند و این اعداد را هم را با آنچه دیروز تاریخ جهان شاهد آن بود مقایسه کنیم، آنگوت باید بدنبال اطلاعاتی نو و وژاری تازه باشیم که بتواند یابگار آن شکوه حماسه و روز نظیر تاریخ و یا در دارالامان باشد. جمعیت کنونی کرمان قریب هفتصد هزار نفر است و شمار گالی که دیروز در مراسم بدرقه حاج‌قاسم حضور پیدا کردند، دست‌کم یک میلیون نفر برآورد شد، یعنی بیش از یکصد و چهل درصد و یک و نیم برابر جمعیت شهر کرمان، رقمی که هرگز در تاریخ این شهر سابقه نداشته و شاید ده‌ها سال دیگر چنین شکوهی در تاریخ دیار دارالامان دیده نشود. اگر این رقم را با بدرقه‌های عبوری دیگری که در شهرهای شیراز، آبادان، همدان و… همران، با کرمان انجام شد بغزاییم و جمع بدرقه‌کنندگان او در شهرهای عراق و لبنان، مشهد، تهران و قم را اضافه کنیم، آنگوت رقمی چند ده میلیون نفری باشد، اما ما را جرئت می‌بخشد که بگوئیم تاریخ تاکنون چنین شمار بدرقه‌کنندگانی را به خود ندیده است.	

عضو معاهدات بین‌المللی مربوط به حراست از میراث فرهنگی بشر باید به خودداری از آسیب رساندن به اماکن فرهنگی و تاریخی متعهد باشد. «واکنش نشان دهند»

رئیس ایکوموس ایران از رئیس و اعضای کمیته‌های ملی ایکوموس جهانی (سازمان جهانی پاسداری از اماکن میراث فرهنگی جهان)خواست که در تعارض با معاهده امضاء شده توسط ایالات متحده آمریکا است که برای محافظت از میراث فرهنگی بشری در کنوانسیون ۱۹۵۴ راه، برای حفاظت از اموال فرهنگی در زمان جنگ است، همچنین خلاف قطعنامه ۳۳۷۷ شورای امنیت سازمان ملل و کنوانسیون ۱۹۷۲ یونسکو در حفاظت و محافظت از اموال فرهنگی در زمان دوره شود.

به گزارش مهر، در نامه مهدی حجت، رئیس ایکوموس ایران خطاب به رئیس ایکوموس جهانی می‌شوند هیچ‌گونه اقدام عاملانه ای را که ممکن است به طور مستقیم یا غیر مستقیم باعث تخریب میراث فرهنگی و طبیعی واقع در قلمرو سایر کشورهای عضو کنوانسیون شود، انجام ندهند.

همچنین مدیرکل به مفاد قطعنامه ۳۳۷۷ شورای امنیت که در سال ۱۹۷۲ با اکثریت آرا تصویب شد، اشاره کرد که طی آن قطعنامه، صراحتا اقداماتی را که باعث تخریب میراث فرهنگی می شوند، محکوم می کند.

در نهایت، خاتم ادوی آزوله بر جهان‌شمولی میراث‌فرهنگی و طبیعی به عنوان مجورهای صلح و گفتگوی میان‌تمدن تأکید کرد و انگارن داشت که جامعه بین‌الملل موظف است

از این میراث برای نسل‌های آتی حفاظت کند.

ایسن گونه اظهارات ناگزیر پیامدهای فاجعه‌باری برای فرهنگ و میراث فرهنگی بشر در پی خود داشت، لذا لازم است تمامی افراد و نهادهای مسؤول موضعی مناسب در قبال آن اتخاذ کنند.

«واکنش اتحادیه موزه‌های آمریکا»
اتحادیه موزه‌های آمریکا (AAM)، شورای بین‌المللی موزه‌ها و شورای بین‌المللی بناهوامحوطه‌های تاریخی، به توبیت تهدیدآمیز ترابپ واکنش نشان دادند.
به گزارش ایسنا،اتحادیه‌موزه‌های آمریکا(AAM) نوشت:«ملت ما ساقیای طولانی در حفاظت از میراث

<div> </div> 	<div> </div>
<div> </div> در پی تهدید رئیس جمهوری آمریکا مبنی بر تحریک مراکز فرهنگی ایران،سفیر ایران در یونسکو ومديرکل یونسکو در دیدارهای مشترک بررسی این موضوع و تبعات آن بر حفظ میراث فرهنگی خاورمیانه تأکید کردند.	
<div> </div> بسه گزارش روابط عمومی کمیسون ملی یونسکو– ایران، مدیر کل یونسکو، ادوی آزوله با سفیر ایران در یونسکو،احمد جدایی دلالی داشت که طی آن تنش‌های منطقه خاورمیانه را با تأکید ویژه بر موضوع میراث و فرهنگ بررسی کردند.	
<div> </div> در این دیدار مدیرکل یونسکو، مستسزین بزرگ و سبزی همیشگی او به پیادگردی‌های قاجار و از سوی مردم کرمان یک تقدیر و تقدیس است، اما اگر جمعیت کرمان را در سال ۱۳۳۵ حاکم یکصد هزار نفر بدانیم و از این رقم حداکثر هشتاد هزار نفر یعنی هشتاد درصد کرمانی‌ها که آن‌روز تشییع کرده باشند و این اعداد را هم را با آنچه دیروز تاریخ جهان شاهد آن بود مقایسه کنیم، آنگوت باید بدنبال اطلاعاتی نو و وژاری تازه باشیم که بتواند یابگار آن شکوه حماسه و روز نظیر تاریخ و یا در دارالامان باشد. جمعیت کنونی کرمان قریب هفتصد هزار نفر است و شمار گالی که دیروز در مراسم بدرقه حاج‌قاسم حضور پیدا کردند، دست‌کم یک میلیون نفر برآورد شد، یعنی بیش از یکصد و چهل درصد و یک و نیم برابر جمعیت شهر کرمان، رقمی که هرگز در تاریخ این شهر سابقه نداشته و شاید ده‌ها سال دیگر چنین شکوهی در تاریخ دیار دارالامان دیده نشود. اگر این رقم را با بدرقه‌های عبوری دیگری که در شهرهای شیراز، آبادان، همدان و… همران، با کرمان انجام شد بغزاییم و جمع بدرقه‌کنندگان او در شهرهای عراق و لبنان، مشهد، تهران و قم را اضافه کنیم، آنگوت رقمی چند ده میلیون نفری باشد، اما ما را جرئت می‌بخشد که بگوئیم تاریخ تاکنون چنین شمار بدرقه‌کنندگانی را به خود ندیده است.	

عضو معاهدات بین‌المللی مربوط به حراست از میراث فرهنگی بشر باید به خودداری از آسیب رساندن به اماکن فرهنگی و تاریخی متعهد باشد. «واکنش نشان دهند»

رئیس ایکوموس ایران از رئیس و اعضای کمیته‌های ملی ایکوموس جهانی (سازمان جهانی پاسداری از اماکن میراث فرهنگی جهان)خواست که در تعارض با معاهده امضاء شده توسط ایالات متحده آمریکا است که برای محافظت از میراث فرهنگی بشری در کنوانسیون ۱۹۵۴ راه، برای حفاظت از اموال فرهنگی در زمان جنگ است، همچنین خلاف قطعنامه ۳۳۷۷ شورای امنیت سازمان ملل و کنوانسیون ۱۹۷۲ یونسکو در حفاظت و محافظت از اموال فرهنگی در زمان دوره شود.

به گزارش مهر، در نامه مهدی حجت، رئیس ایکوموس ایران خطاب به رئیس ایکوموس جهانی می‌شوند هیچ‌گونه اقدام عاملانه ای را که ممکن است به طور مستقیم یا غیر مستقیم باعث تخریب میراث فرهنگی و طبیعی واقع در قلمرو سایر کشورهای عضو کنوانسیون شود، انجام ندهند.

همان‌گونه که احتمالا مطلع هستید، اخیرا رئیس جمهوری آمریکا (ایکوم) و شورای بین‌المللی بناهوامحوطه‌های تاریخی (ایکوموس) نیز «نقطه‌ایران‌آنها گرتفتم»برخی

با اهمیت بسیار زیاد برای ایران و تهدید میراثی از این هدف‌ها و خود ایران، به سرعت و به سختی مورد حمله قرار خواهند گرفت.» اگرچه

این تهدید آشکارا خلاف قوانین بین‌المللی و معاهدات بین‌المللی است. انتشار این توبیت و اصرار رئیس جمهوری آمریکا بر آن در توبیت‌های بعدی خود، توجه و انگارن جهانی را برانگیخته است.

ایسن گونه اظهارات ناگزیر پیامدهای فاجعه‌باری برای فرهنگ و میراث فرهنگی بشر در پی خود داشت، لذا لازم است تمامی افراد و نهادهای مسؤول موضعی مناسب در قبال آن اتخاذ کنند.

«واکنش موزه متروپولیتن»
موزه‌هر متروپولیتن نیویورک در اقدامی کم‌سابقه صحبت‌های رئیس جمهوری آمریکا در هدف قرار دادن مجورهای فرهنگی در ایران را محوطه‌های تاریخی و فرهنگی را به تخریب و بی‌ارنگی‌های مشابهی در این قسمت رواند.»

بنابا به ایسن گزارش به نقل از «نیشنل وین» مکرس هولین، رئیس و «آرژنست وین» مدیر آثار باعمران خود، در تاریخ ۱۵مهرماه ۱۳۹۷ در نیویورک به جمع چهره‌های پرشنده و رؤسای موزه‌ها و سازمان‌های یونسکو که از تهدید اخیر ترابپ در هدف قرار دادن ۵۲ محوطه که برای ایرانی‌ها و فرهنگ ایرانی حیاتر اهمیت است به شدت

رونمایی از کتاب «مجموعه آثار خوشنویسی میرزا غلامرضا فاضلهانی»

کسه با چنگ و دندان باید در حفظ آن کوشید.

ایسن منتقد هنری گفت: خوشنویسان ایران آخرین ملافان یکپاگه عظیم این هنر سستی هستند؛ هرچند در دوره‌های مختلف مقارن با تاریخ هنر هنرستان و مغفطی خواجه‌صنعت جاب‌هنر، خواجه‌صنعت مستحوی تغییرات بوده و در فراز و نشیب نظریه‌های هنر برای مردم» و

هنر برای هنر» سردرگم شده‌است ولی باید این خورشید فروزان درخشش خود را در تقویت تفکده‌مندان واقعی خوشنویسی تقویت کند.

وی با اشاره به چاپ کتاب «مجموعه آثار خوشنویسی میرزا غلامرضا هنرستان» گفت: چهل و اندی سال منتظر این کتاب بودم. این کتاب برای هنر بسیار مهم است چون میرزا غلامرضا هنرستان تأثیرگذار در تاریخ هنر این کشور است و مغفطی بختیار به عنوان مولف این کتاب فردی قابل احترام و معتبر در حوزه پژوهش است.

زروان بختیار، فرزند مرحوم مغفطی بختیار، مؤلف کتاب در این مراسم توضیح داد: این مجموعه جمع آوری

آمادگی ایران برای انتقال دانش و فناوری به دانشگاه‌های بین

بزرگی را از سر مردم منطقه دور کرد. بنابراین شهید سردار سلیمانی پیش از یک چهره نظامی، انسانی، خوددوست و مسلمانی بزرگ بود. انشالله روح بزرگشان در جوار حق آرام بگیرد.

دکتر غلامی بسا بیان اینکه، جمهوری اسلامی ایران معتقد است که مردم یم باید خود برای آینده کشورشان تصمیم بگیرند. افزود: تاریخ‌معاصر نشان‌داده‌که ناامی‌های بسیار در کشورهای مختلف، حاصل دیانت بیگانگان بوده است. تاحل جمهوری اسلامی برقراری صلح پایدار در منطقه است.

«کتاب تصویر» ژان لوک گدار در صدر کاپه دو سینما

نشریه فرانسوی در اولین شماره دور میلادی بهترین فیلم‌های سال گذشته خود را معرفی کرد. به گزارش هنرآنلاین، مجله فرانسوی کاپه دو سینما در تازه‌ترین شماره خود فهرست بهترین فیلم‌های سال ۲۰۱۹ را منتشر کرد. «کتاب تصویر» به کارگردانی ژان لوک گدار، کارگردان پیشرو فرانسوی از سوی انجمن تحرییریه کاپه دو سینما به‌عنوان بهترین فیلم سال انتخاب شد. فیلم تولید سال ۲۰۱۸ است و اولین بار همن سال در بخش سابقه‌قطاد و یکمین جشنواره فیلم کن روی رده رفت. «کتاب تصویر» با تلفیق گزارشی و خیال‌پردازی عناصر عرب و کاندوکار می‌کند. فیلم برای دو سال در کشورهای مختلف منطقه فلیپینراری شد.فیلم کرای انگل» به کارگردانی بونگ جون هو که در دهه ۱۹۷۰ در جشنواره کن جایزه نخل طلایی را برد در دوم فهرست کاپه دو سینما است و فیلم «واژه‌های مهم‌ها»

اخبار داخلی

واکنش جهانی به اظهارات غیر قانونی ترامپ

دیدار سفیر ایران و مدیر کل یونسکو با محوریت حفاظت از میراث فرهنگی

انتقاد کردند و در یک اقدام سیاسی کم‌سابقه با انتشار بیانیه‌ای مشترک نوشتند. «هدف قرار دادن میراث فرهنگی جهان برای ارزش‌های جمعی جامعه شرم‌آور است. دنیای ما دقیقاً می‌داند که محافظت از محوطه‌ها و مکان‌های فرهنگی چسه چیزی را برای ما به ارتمان می‌آورد و از سوی دیگر چه چیزی با تخریب و غلبه هرج و مرج از دست می‌رود.

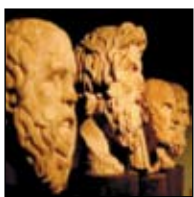
در این زمان چالش‌برانگیز، باید اهمیت جهانی حفاظت از مکان‌های فرهنگی را تجربه می‌کنند. حمله به انشپاء و مکان‌هایی که از طریق هنرندس پیش صنعتی می‌مانند تمدن افسرد، جوامع و ملتها با تاریخ و میراث‌شان پیوند می‌خورند. رهبران و شهروندان امروز مسؤولیت‌های قطعی را به عهده می‌گیرند. این نشریه در ادامه به ارائه فهرستی راهنما از بناها و مناطق که باید به عنوان «واژه‌های ایران» یاد آنها، پرداخته است.

گاردین از «تخت جمشید» به عنوان جواهر تاج باستانی ایران، از مسجد «شاه چراغ» به عنوان بنایی با معماری مشترک و میراث فرهنگی است که با آگاهی لازم برای تصمیم‌گیری امن‌تر و بهتر را به دست می‌آورد.»

«واکنش گاردین»
در پس‌ی تهدید اخیر رئیس جمهوری آمریکا مبنی بر حمله این کشور به «آمریکز فرهنگی و آثار تاریخی مشترک در واکنشی به تمدنی ایران، نشریه «گاردین» اعلام به تهبه فهرستی از گنجینه‌های فرهنگی که برای محافظت از میراث فرهنگی نیاز به اقدام «ترابپ» در مقاله‌ای واکنش نشان داد.

به بخشی از ایسن گزارش فرهنگی تاریخی و فرهنگی ایران منتشر شده، آمده است: «اگر تهدید «دولالت ترابپ» برای هدف قرار دادن «مناطق فرهنگی» ایران عملی شود، رئیس جمهوری ایالات متحده نیز در زمره «ایران‌گراهای تاریخی» قرار خواهد داد؛ گروه‌ک‌هایی که هر دو به تخریب و بی‌ارنگی‌های مشابهی در این قسمت رواند.»

در ادامه این گزارش «گاردین» آمده است: «طالان در سال ۲۰۰۱ «تندیس‌های بودا در بامیان» را بعمران کرده‌داعش» «ساجدکمان‌های مقدس دیگر و سازه‌های تاریخی واقع در عراق و سوریه را نابود کردند.



فلسفه
و بیماری ترجمه

۷



درباره
مارسل پروست

۶



سلیمانم
آرزوست

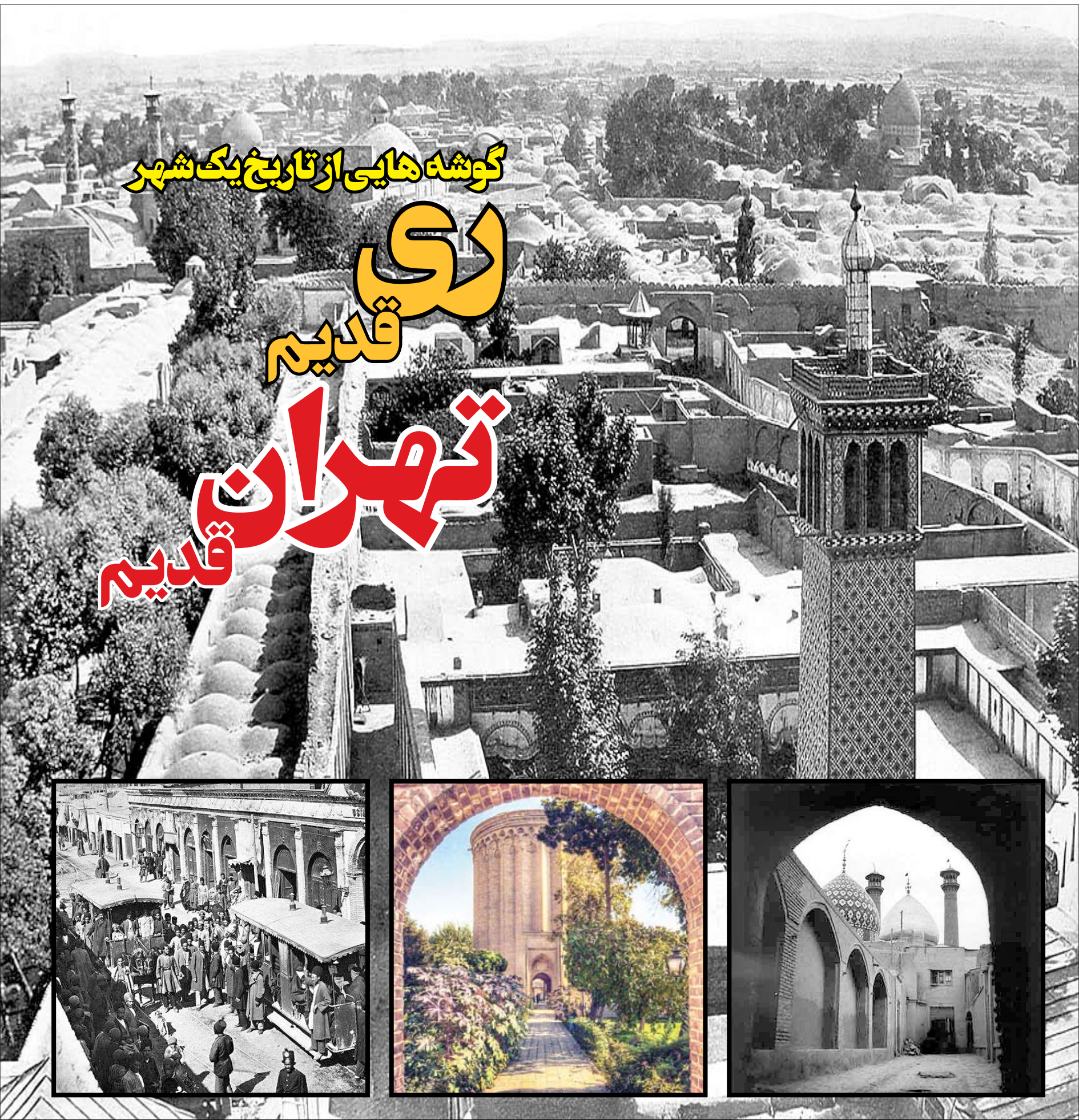
۲



۴۳۰

ضمیمه فرهنگی روزنامه اطلاعات

چهارشنبه ۱۸ دی ۱۳۹۸ - سال نود و چهارم - شماره ۲۷۴۷۱





سید مسعود رضوی

سرآغاز...

حدود نظارت‌ها و پاسخگویی‌ها را از کشور ما طلب کرده و اتفاقاً کسب کرده و به دست آورده است، پس ماجرا چیست و این همه بهانه‌جویی در پی چه مطلوبی است؟

حقیقت آن است که ایران به مثابه یک قدرت عظیم منطقه‌ای و یک قدرت مؤثر بین‌المللی، برای رقبا و برخی مستعمرات خاورمیانه‌ای آمریکا خوشایند نبوده و نیست. از سوی دیگر رژیم اشغالگر صهیونیستی نیز همواره یک ایران قدرتمند و پر نفوذ را خطری بالفعل و بالقوه می‌پندارد و از هیچ تنش و تلاشی برای فروپاشی این قدرت بزرگ فروگذار نخواهد کرد. ما در میان دشمنان و رقبای بی‌رحمی زندگی می‌کنیم که در روز روشن به بالاترین مقام نظامی و عملیاتی کشور و یکی از موجه‌ترین چهره‌های ملی، کشوری و لشکری ما هجوم می‌برند و به آتش بمب و بمباران، در مقابل چشمان حیرت‌زده جهان، ترور و وحشت را می‌گسترند و جنایت و خشونت را ترویج می‌کنند.

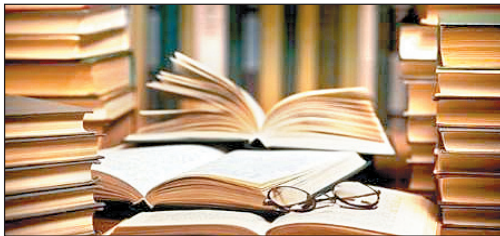
در چنین جهانی باید با اقتدار و تدبیر عمل کرد. شعار و تبلیغ، عواطف و احساسات در وجود ما زبانه می‌کشد. ملت ایران احساس خشم و مصیبت دارند و به همین دلیل باید حسابگر و سنجیده عمل کرد تا سنجۀ قدرت و نفوذ وطن ما همواره محفوظ بماند. این هزینه‌ها، برای پایش و گسترش وجهه، امنیت و اقتدار مرزهای وطن پرداخته شد. سردار شهید نیز برای صلح جنگید و کیست که نداند یا انکار کند که او بزرگترین عامل در هم شکستن عفریت زهرآلود داعش و هیولای متعفن سلفی‌گری و جریان‌های تکفیری در منطقه بود.

تمام ملت‌ها و اقوام و گروه‌های خاورمیانه، حتی مردمان خفته و بیدار در شهرهای اروپا، دیر یا زود خواهند دانست که بالای عصیبت و تروریسم و قشریگری و واپس‌ماندگی را که در لباس سیاه خلافت تکفیری و عقاید خرافی پنهان شده بود و به نمایش‌های خونین می‌پرداخت، نمی‌توان نادیده گرفت. صلح و عزت، آرامش و پیشرفت و همزیستی و معاضدت، لازمه زندگی تمام انسان‌ها و آرزوی ما و فرزندان ماست...

اینک و در واپسین بخش این یادداشت، عطف به رویدادهای منطقه، شعری از استاد یگانه و فقیه ایران، ملک‌الشعرای بهار را که خود مبارزی ضد استعمار و ضد استبداد بود و عمر و زندگیش را وقف آگاهی ملت و آزادی کشور نمود، بازمی‌آوریم.

که تا ابد بریده باد نای او
گسسته و شکسته پَر و پای او
کز او بریده باد آشنای او
که کس امان نیابد از بالای او
وز استخوان کارگر، غنای او
که جان برد ز صدمت صلائی او
به هر دلی مهابت ندای او
نهیب مرگ و درد ویل و وای او
مسلطانی و رنج و ابتلائی او
سرشت جنگبار و بقای او
جهانخوران غرب و اولیای او؟
ز گندم و جو و مس و طلای او
نه ترسم از غرور و کبریا ی او
مخور فریب جاه و اعتلای او
مبین به چشم ساده در غنای او
که شوم‌تر لقایش از عطای او
عطای وی کریم چون لقای او
شکفته مرز و باغ دلگشای او
فروغ عشق و تابش ضیای او
حیات جاودانی و صفای او
بقای خلق بسته در فزای او
که دل برد سرود جانفزای او
جدا کنند سر به پیش پای او
مدیج صلح گفتم و ثنائی او
که پارسی شناسد و بهای او
«فغان از این غراب بین و وای او»

فغان ز جغد جنگ و مرغوا ی او
و تا ابد
ز من بریده یار آشنای من
چه باشد از بالای جنگ صبتر؟
شراب او، ز خون مرد رنجبر
همی‌ندصلای‌مرگونیست‌کس
همی دهد ندای خوف و می‌رسد
به هر زمین که بگذرد، بگسترد
جهانخوران گنجبر به جنگ بر
ز غول جنگ و جنگبارگی بتر
به خاک مشرق از چه رو زنده ره
به نان ارزنت بساز و کن حذر
نه دوستیش خواهم و نه دشمنی
همه فریب و حیلست و ره‌رزی
غنای اوست اشک چشم رنجبر
عطاش را نخواهم و لقاش را
لقای او پلید چون عطای وی
کجاست روزگار صلح و ایمنی؟
کجاست عهد راستی و مرمی؟
کجاست دور یاری و برابری؟
فنائی جنگ خواهم از خدا که شد
زهی کبوتر سپید آشتی!
رسید وقت آنکه جغد جنگ را
بهار، طبع من شکفته شد، چو من
بر این چکامه آفرین کند کسی
شد اقتدا به اوستاد دامغان



به خاک مشرق از چه رو زنده ره جهانخوران غرب و اولیای او؟

در این نوبت از ضمیمه فرهنگی، به برهان رخداد‌های غمبار اخیر، یادداشت سرآغاز را به امر سیاسی و تأمل در شرایط میهن و منطقه اختصاص می‌دهیم. مگر فرهنگ چیزی جز تأمل در اعماق، در جان‌ها و تجلی روح و اندیشه انسان‌هاست؟!

در ایام سوگواری‌ای که آسمان می‌گرید و زمین سیاه‌پوش شده است و دردهای دیرینه سر باز کرده، ما نیز بار اندوه را بر دوش می‌گیریم و می‌گوییم. خشونت و ترور، رفتار نابخردان و زورگویان است، آنجا که گلوله و بمب و انفجار سخن می‌گوید، عقل و منطق می‌میرد. هیچگاه نباید بدین بالای بزرگ و ضدبشری میدان داد و آن را ستایش کرد. جنگ اگر مدافعه باشد، برای آب و خاک و ایمان، برای دفع متجاوز و زورگو، البته گرمی و واجب است. این مدافعه، طریقت سلم و تحکیم صلح است. بدبختانه سرمایه‌داری و سوداگری، در لباس زورگویی و کوردلی به نام ارتش آمریکا و دول تابعه و به نام القاعده و داعش و النصره، به اسم دفاع از منافع و ترمیم سود و ثروت بر باد رفته، به تحریک سعودی‌ها و صهیونیست‌ها به یک قمار بزرگ منطقه‌ای بدل شده و همچون چاهویل خشونت و نابخردی و ظلم و اندوه و تعصب و ویرانی و بیماری، مردمان بی‌گناه را به کام ترس و نابودی و فقر و تباهی می‌کشد. در سوریه و لیبی و عراق و افغانستان، چه باقی مانده و چه ها نابود شده است؟ می‌بینیم و می‌گزیریم اما نباید از یاد ببریم.

این روزها نایره جنگ را دیوانه‌ای از آن سوی اقیانوس‌ها بلند کرده و به عنوان یک‌قدرت بزرگ و ابرقدرت بین‌المللی به دیگران تحمیل می‌کند. مضحک آنکه همان دیوانۀ زنجیر گسسته فریاد می‌زند که مراکز فرهنگی را بمباران خواهیم کرد. عجیب، دنیا از مدار نظم و تدبیر چنان دور افتاده که دیگر نمی‌توان نجوای صلح و سلام، و تعقل و تدبیر را شنید. اینجاست که همگان باید مراقب باشند که مبدا آنان که هیچ عهد و پیمانی، یا عقل و وجدانی ندارند سر برآورند و مردم و تمدن و اجتماعات انسانی را پایمال سازند.

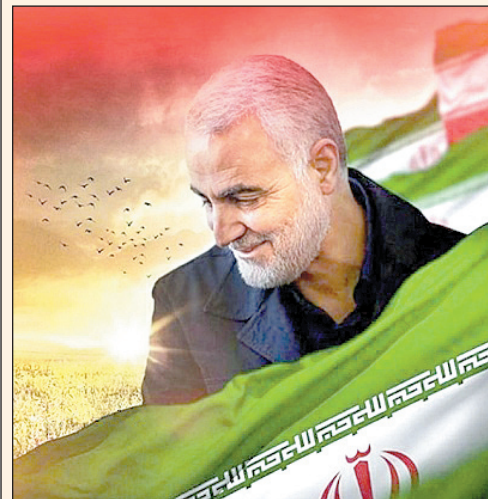
اکنون در آستانۀ فصلی تازه و روزگاری متفاوت قرار گرفته‌ایم. کشورهای بزرگ و قدرتمند منطقه، یعنی ایران و عراق در شرق و غرب ارون‌درو و میان رودان، و ترکیه و عربستان در فراز و فرود بین‌النهرین، باید تن به انتخاب‌های دشوار و مهمی دهند.

این منطقه قلب تپندۀ تمدن اسلامی است و ایران هرگاه تکانه و زبانهای بر کنشیده، سراسر جهان اسلام و بلکه حیات قدرت و حیات خلوت نیروهای بین‌المللی را دچار خیزها و افت‌های تاریخی کرده است. اما مگر وطن ما چه می‌خواهد و از جهان چه می‌طلبد که چنین در مرکز توجه و تقابل با قدرت‌های سیاسی و نظامی و رقابت‌های فرهنگی و اعتقادی قرار گرفته است؟

پاسخ این پرسش‌ها آسان نیست اما حقیقت آن است که ما هیچگاه نمی‌توانیم از امنیت و اقتداری که لازمه آرامش، و اطمینان از صلح، و تضمین منافع ملت ماست چشم‌پوشیم. در این سوی کشور ما، هند و پاکستان پرجمعیت، بالای سر ما روسیه و قدرت‌های پنهان و آشکارش، در آن سوی رود اردن، رژیم صهیونیستی سلاح‌های اتمی دارند و همین مایۀ جنگ و گردنکشی بوده و هست. اما آیا به سلاح و بمب اتمی می‌توان ضمانتی برای صلح و امنیت فراهم کرد؟ تجربه‌های یکصد سال اخیر، آشکارا نشان می‌دهد که نه تنها اسلحه و زرادخانه اتمی نتوانسته صلحی بنیاد کند و ضمانتی به ارمغان آورد، بلکه همه را وارد تنش و مسابقه‌ای پر خرج خواهد کرد.

آیا هند و پاکستان در کنار هم به موازنه و آرامش رسیده‌اند؟ آیا رژیم صهیونیستی در میان یک و نیم میلیارد مسلمان که از آن تنفر دارند می‌تواند احساس آرامش داشته باشد؟ روسیه در بازی اسلحه و جنگ چه دارد و به کجا رسیده است؟ پس چرا ما که صلح‌آمیزترین و متعهدانه‌ترین امکانات علمی و نیروگاهی و طبی را از انرژی اتمی طلب می‌کنیم، باید تحت این همه فشار باشیم؟

مگر نه این است که آژانس بین‌المللی انرژی بالاترین حد و



سلیمانم آرزوست

غزلی از حضرت مولانا: تسلا ی دل غمزگان و سوگواران

بنمای رخ که باغ و گلستانم آرزوست

بگشای لب که قند فراوانم آرزوست

ای آفتاب حسن برون آدمی ز ابر

کان چهره مشعشع تابانم آرزوست

بشنیدم از هوای تو آواز طبل باز

باز آمدم که ساعد سلطانم آرزوست

گفتی ز نیاز بیش مرنجان مرا برو

آن گفتنت که بیش مرنجانم آرزوست

و آن دفع گفتنت که برو شه به خانه نیست

و آن ناز و باز و تند ی دربانم آرزوست

در دست هر که هست ز خوبی قراضه‌هاست

آن معدن ملاح و آن کانم آرزوست

این نان و آب چرخ چو سیل است بی وفا

من ماهیم نهنگم عمانم آرزوست

یعقوب وار و اسفاها همی‌زنم

دیدار خوب یوسف کنعانم آرزوست

والله که شهر بی تو مرا جیس می‌شود

آوارگی و کوه و بیابانم آرزوست

زین هم‌رهان سست عناصر دلم گرفت

شیر خدا و رستم دستانم آرزوست

جانم ملول گشت ز فرعون و ظلم او

آن نور روی موسی عمرانم آرزوست

زین خلق پرشکایت گریان شدم ملول

آن های هوی و نعره مستانم آرزوست

گویاترم ز بلبل اما ز رشک عام

مهر است بر دهانم و افغانم آرزوست

دی شیخ با چراغ همی‌گشت گرد شهر

کز دیو و دد ملولم و انسانم آرزوست

گفتند یافت می‌نشود جست‌های ما

گفت آنک یافت می‌نشود آنم آرزوست

هر چند مفلسم نپذیرم عقیق خرد

کان عقیق نادر ارزانم آرزوست

پنهان ز دیده‌ها و همه دیده‌ها از اوست

آن آشکار صنعت پنهانم آرزوست

خود کار من گذشت ز هر آرزو و آرز

از کان و از مکان پی ارکانم آرزوست

گوشم شنید قصه ایمان و مست شد

کو قسم چشم؟ صورت ایمانم آرزوست

یک دست جام باده و یک دست جعد یار

رقصی چنین میانه میدانم آرزوست

می‌گوید آن رباب که مردم ز انتظار

دست و کنار و زخمه عثمانم آرزوست

من هم رباب عشقم و عشقم ربایی است

و آن لطف‌های زخمه رحمانم آرزوست

باقی این غزل را ای مطرب ظریف

زین سان همی‌شمار که زین سانم آرزوست

بنمای شمس مفخر تبریز رو ز شرق

من هدهدم حضور سلیمانم آرزوست



استاد اکبر ثبوت

ملک المتکلمین و عبادات و سنت‌ها

ملک المتکلمین، شاگرد ملاصالح فریدنی و او شاگرد حاج ملاهادی سبزواری بود^۱ و بدین ترتیب سلسله تلمذ ملک با یک واسطه به سبزواری حکیم زاهد می‌رسد. ملاصالح مدت‌ها در خانه ملک به تعلیم فلسفه می‌پرداخت و در آنجا تشنگان حکمت و عرفان برای استفاده گردش جمع می‌شدند. این هم یکی از خاطرات ملک از وی:

نماز صبح روشن‌کننده دل

آخوند ملاصالح به نماز شب عادت داشت و پس از مناجات به درگاه پروردگار، هنوز هوا روشن نشده بود، مرا از خواب بیدار می‌کرد و مکرر می‌گفت نماز صبح در بین طلوعین، قلب انسان را روشن می‌کند و دماغ انسان برای بحث در مسائل علمی و فلسفی، به ویژه علوم که انسان را در شناسایی خدا و توحید راهنمایی می‌کند صبح از هر وقتی مناسب‌تر است و علت آن را چنین می‌گفت که چون صبح، هنوز انسان به کارهای روز آلوده نشده و قلب و روح به مبداء فیض نزدیک‌تر است.

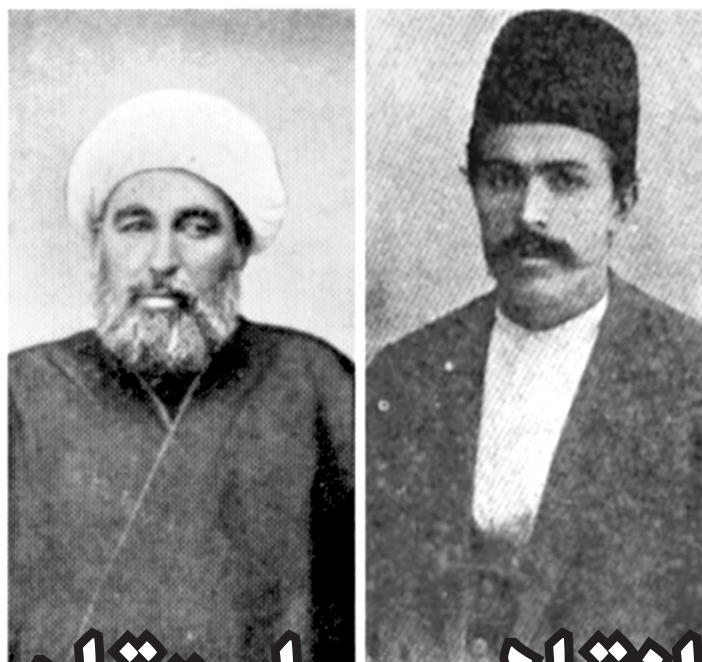
سفر حج و توجه به فلسفه آن

ملک المتکلمین در سن بیست و دو سالگی به مکه معظمه مشرف می‌شود و این سفر فواید روحانی بسیاری برای او در بر دارد. زیرا مردمانی که دارای نبوغ فطری هستند عادات و رسوم در آنان تأثیر زیادی ندارد؛ و روح بزرگ آنها را از درک حقایق و معانی منحرف نمی‌کند، چنانچه مسافرت مکه معظمه، تأثیر زیادی در مرحوم ملک المتکلمین کرده بود؛ چه در کتابی که در زمان توقف در هندوستان تألیف و به رشته تحریر درآورد، یکی از مهم‌ترین فصول آن را تحت عنوان «کنگره بزرگ اسلامی یا زیارت بیت‌الله الحرام» به فلسفه حج اختصاص داده و به تفصیل در این باره بحث کرده، و مکرر هم در خطابه‌های سودمند و در مجامع عمومی، از اهمیت این اجتماع بزرگ مسلمانان گفتگو می‌نمود و این هم مخلصی از بیانات ایشان:

«اسلام حقیقی و واقعی، اسلامی که شالوده‌اش بر روی قرآن مجید و پایه‌اش بر روی گفته‌های خداوند کریم و کردار پیغمبر اکرم استوار گشته، برای رستگاری دنیا و آخرت، و وصول به مقام دانش و فضیلت، بر تمام ادیان برتری دارد، و هرگاه علمای دین و جانشینان سید المرسلین، آن اسلام حقیقی و واقعی را آلوده به خرافات و موهومات نکرده بودند، و فروغ و رسومی را که با حقیقت اسلام تناسبی ندارد، به جای اصول به کار نبرده بودند و پیرایه‌های گوناگون بر پیکر حق و حقیقت نهوشانده بودند، امروز مسلمانان جهان دارای همان علو مقامی که در خور این دین حنیف است بودند، و بر روح و جسم جهانیان حکمفرمایی می‌کردند، و از این دلت و مسکنت فقر و پریشانی و بی‌سوادی و جهل و دوری از قافله علم و تمدن فرسنگ‌ها دور بودند، و همچون نسل مسلمانان صدر اسلام، با بزرگی و سروری زندگانی می‌کردند، ولی چون نخواستند یا نداشتند فلسفه و حقیقت اسلام را درک کنند، مسلمانان را به این روز سیاه نشانند. چنانچه با مخارج گزاف و رنج و زحمت بسیار و اتلاف نفوس بی‌شمار، هر سال در حدود سیصد الی چهارصد هزار نفر مسلمان در خانه خدا و بیت‌الله الحرام جمع می‌شوند و در میان این جماعت، هزارها مردان بزرگ و دانشمند برگزیده و علمای متنفذ یافت می‌شود که جمع‌آوری آنها در محل دیگر غیرممکن است.

هرگاه بزرگان دین و پیروان حق‌الیقین، منظور حقیقی و فلسفه واقعی این کنگره بزرگ اسلامی و این اجتماع سودمند را که از تمام ممالک اسلامی

ملك المتكلمين همپیمانان و مخالفان- بخش دوم



انقلاب و اعتقاد

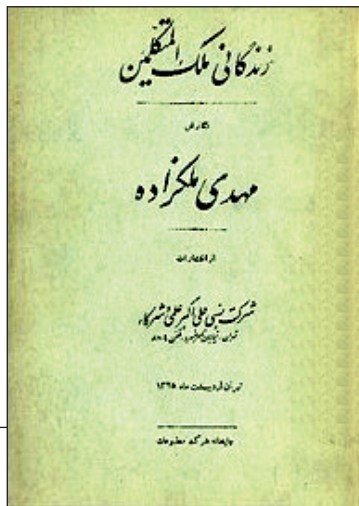
یادآوری: در تکمله آنچه در شماره اول از این سلسله گفتارها آوردم، گزارش‌ها و سخنان فراوان دیگری از نوشته‌های دانشمندان و بیانیه‌های نهادهای متعدد دینی یادداشت کرده‌ام که جملگی در تأیید عظمت مقام ملک المتکلمین و برانته او از وابستگی به هر فرقه غیراسلامی و هر قدرت خارجی است؛ ولی در صفحات محدود این نشریه امکان انتشار آن نیست و ان شاءالله در کتاب مستقلی که درباره این شهید تألیف کرده‌ام منتشر خواهد شد و این هم نام‌های بعضی از دانشمندان و نهادهای مزبور:

ناظم الاسلام کرمانی، دکتر محمد معین، ملک الشعرا بهار، شیخ فضل‌الله نوری، جلال آل احمد، دکتر شمس‌الدین امیر علایی، حجه الاسلام ابراهیم ملکی، سید عباس صادقی فدکی، رشید رضا مصلح بزرگ، خان‌بابا مشار، انجمن اتحادیه طلاب، صنف واعظان و روضه‌خوانان و... اکنون بخشی دیگری از همان گفتارها:

انجام مراسم ظاهری کاری نمی‌کنند و از فلسفه این کنگره بزرگ اسلامی که قطعاً منظور صاحب شریعت بوده طرفی نمی‌بینند.^۲

خطابه‌های ملک المتکلمین در مساجد بزرگ

ملک المتکلمین به هر شهری می‌رفت، او را برای وعظ و سخنرانی به مجالس باشکوه دینی و مساجد بزرگ و معروف دعوت می‌کردند. برای نمونه^۳: یک ماه رمضان در مسجد جامع اصفهان (صص ۵۷۸-۵۷۹) در ایام محرم در تکیه دولت در تبریز در مجلس روضه ولیعهد مظفرالدین میرزا (ص ۷۲) ماه رمضان در مسجد شاه اصفهان (ص ۷۷) نیز در آن مسجد (ص ۱۰۱) در منزل امام جمعه اصفهان (ص ۹۳) در اصفهان در مجلس موعظه در منزل ملک التجار (ص ۱۰۷) در مشهد



مقدس در مسجد گوهرشاد (ص ۱۲۹) در مسجد وکیل شیراز (ص ۱۳۱) در تهران مسجد طباطبایی (ص ۱۱۱) در مسجد جامع تهران (ص ۱۷۱-۱۷۲) در تکیه مسجد وکیل دولت در تهران (ص ۱۹۰) در مدرسه دینی خان مروی و مدرسه صدر (کاتوزیان، صص ۳۸۴-۵) و در بمبئی (همان، ص ۱۷۴) سخنرانی‌های ملک المتکلمین هزارها مستمع داشت و برخی از کسانی که خود در جرگه روحانیان و واعظان بودند - مانند میرزا نورالدین مجلسی از احفاد علامه مجلسی (ص ۶۵، ۷۷) سید حبیب الله اشرف الواعظین (ص ۱۲۳) - آنها را به صورت مکتوب در می‌آوردند و در جریده‌ای مانند حبل‌المتین که صاحب امتیاز آن مؤید الاسلام، خود از علما بود منتشر می‌شد (ص ۱۲۵ تا ص ۱۲۸). آنچه در این سخنرانی‌ها مشهود است، عبارت است از: انتقاد از بی‌عدالتی‌ها و فسادهای استبداد حاکم بر جامعه و عقب‌ماندگی از کاروان فرهنگ و تمدن و دعوت به تأسیس مدارس جدید و بیمارستان‌ها و ترویج کالاهای وطنی و قطع نفوذ اقتصادی و سیاسی بیگانگان و بازگشت به دوران مجد و عظمت اسلام و ایران.

در گفتگو از موارد مذکور نیز استناد ملک المتکلمین بیش از هر منبعی به اصول و مبانی و مستندات و معتقدات اسلامی است.

برای نمونه:

* از نطق او در مسجد شاه اصفهان: «شما هم ای علمای دین که در این مجلس حضور دارید مسؤول هستید که احکام خدا را همان طوری که از طرف پیغمبر اکرم ودیعه به دست شما سپرده، بدون کمترین تغییر و آلودگی به خرافات و آداب ناپسندیده، تا ظهور امام زمان حفظ کنید و نگذارید آن احکام مبین به اغراض جاهلانه و منافع بی‌خرانه آلوده شوند؛ و هرگاه به وظیفه خود عمل نکردید در پیش خدا مسؤول و مستوجب عذاب خواهید بود.

پس شما ای مردمان ایران که پایه دین و ملیت‌تان بر روی قوانین شرع مبین اسلام و مفاخر نیاکانتان است، چون یکی را به خرافات و هوای نفسانی آلوده کنید و دیگری را پایمال چهل و خودخواهی نمایید، به خدا که دیگر کمترین ارزشی در میان ملل متمدنه جهان نخواهد داشت و در ردیف اقوام وحشی جای خواهید گرفت و از جرگه انسانیت به کنار خواهید رفت و تاریخ جهان و فرزندان آتیه ایران نام شما را به پستی و بی‌خردی خواهند برد و ملل زنده دنیا شما را دشمن تمدن و انسانیت و پیرو توحش و بربریت خواهند دانست»^۴.

* بخشی از نطق وی در جلسه افتتاحیه مجلس شورای ملی نیز که با آیه‌ای از قرآن و حمد و ثنای الهی آغاز شده و اشارتی به استمداد از «توجه ظاهر و باطن امام عصر عجل‌الله تعالی فرجه» و «راهنمایی علمای دین پرور» داشت، در بخش اول گذشت.

* از یک نطق دیگر او: «معنی حقیقی احکام الهیه و کتب شرعیه را می‌فهمیم و می‌توانیم بگوییم ابواب سعادت و ترقی به روی ما باز شده، پس علم لازم داریم و باید باسواد شویم، اگر بگویید «در این باب چیزی از معصوم بگو» اکتفا می‌کنیم به فرمایش حضرت امیر مؤمنان که به حضرت حسن مجتبی می‌فرماید: «انظر فی آثار الماضین الی آخر؛ یعنی ای پسر عزیزم در تاریخ گذشتگان نظر کن» معلوم است این خطاب فقط به حضرت مجتبی نیست و خطابات که از مصدر قدس معصومین صادر می‌شود، عمومی است»^۴.

پی‌نویس‌ها:

- ۱- دیدار با فیلسوفان سپاهان، صص ۲۴۴، ۳۲۶؛ زندگانی ملک المتکلمین صص ۱۲۳، ۶۰.
- ۲- شماره ص اشاره به صفحات کتاب زندگانی ملک المتکلمین
- ۳- زندگانی ملک المتکلمین، ص ۱۰۶
- ۴- زندگانی ملک المتکلمین، ص ۲۰۸

هر شهر و کوبی آرمیده بردهان دال مر کزی ونمادی مجوری است که عمدتا از آن نقطه کانونی، روایت وهویت می‌یابد و به اطراف پیرامونش جهت و معنا می‌بخشد. این دال لزوما مکانی یا عینی نیست وگاه به یمن سرمایه تاریخی وفرهنگی، انرژی کل یک خطه را حول خود متمرکز و چوله می‌کند در تهران علی رغم نمادها و سازه‌ها و برج‌های عمودی وافقی شاخصی چون آزادی و میلاد ری هنوز از خود انرژی و تاریخ را برخطه پایتخت پمپاژ می کند ولو اینکه خاموش و در سکوت و حاشیه درافتاده باشد و نماد و عنصر کوچک و کودکش هم پالاشگاهی است که خون وحیات انرژی را در رگ‌های در هم تنیده کارگاه‌ها وخودروهای درسیان این کلان شهر، جاری می‌سازد.

ری یا رگای پارتی و ساسانی، جای خوشی را بر دامنه‌های دوردست البرز از یک سو و کویر و دشت‌های جنوبی ایالت جبال کهن از سوی دیگر تثبیت کرده است. با این تفاوت که از ازمئه قدیم، برف و باد و باغ و باران و صفا و مجموعه‌ای از سایه‌ها و چنارستان‌ها نصیب شمال و دامنه‌هایش و سیلاب و گرما و ته مایه‌ها و نواله‌ها در جنوب در ته چوئی و کناره خوان ثروت باقی نپهاده شده‌اند. حتی در نه‌زت القلوب حمدالله مستوفی، ری به سبب بسته بودن شمالش، دارای آب و هوای متعفن و ناگوارنده قلمداد شده و عقرب قتال در او بسیار آلودگی و تیرگی و زهرایی که حتی هنوز از زمین و آسمان ری رخ برنمیست و کمتر که نه، با غول صنعت بیشترهم شده است. در شعری که خاقانی شروانی در زمان سکونتش در ری در قرن ششم بر این باره سروده این نکته نیز مشهود است:

خاک سیاه بر سر آب و هوای ری

دور از مجاوران مکارم نمای ری
آن را که تن به آب و هوای ری آوَرند
دل آب و جان هوا شد از آب و هوای ری
عقرب نهند طالع ری من ندانم آن
دائم که عقرب تن من شد لقای ری.
اما ری محدود به جغرافیا و طبیعی در زندان جنوب نمانده و سه عنصر صنعت، سنت وفلاحت آن را دگرگون کرده و در تالقایی با فرهنگ و سببیت و مدرنیت قرار داده اند. آبرفت‌ها و آبروه‌ای پایین دست و قلال البرز بالادشتش، کشاورزی و زراعت و باغداری را در ری تا آستانه کویر و شوری حوض سلطان و کویرنمک مجاور ورامین و قم به پیش برده است.دشت ورامین و چرچک تا پای شهری مدخل و محل شگفتن چشمه‌ها و قنات‌ها و رودهای بوده است برای رستن و روئیدن و سبز کردن انواع گیاه و نهال. و اگر شماری از سرزمین‌های سبز و کشاورزی دیروز، در پای غول‌های زمین خواری و زمین سازی امروز ذبح و ناپدید شده اند، اما بهشت سبز و چون شمالی را در روستاها و مزارع اطراف این خطه هنوز می‌توان حس و تصور کرد.قلعه نو و طالب آباد یک نمونه‌اند که اینک در هیاهوی اتصال به تهران از گذشته کهن و زراعی خود فصل و قطع را برگزیده‌اند و اگر نبود اسناد و نوشته‌ها و مطالعات مؤسسه مطالعات اجتماعی دانشگاه تهران، از دیروزش هیچ خبر نداشتیم. و این نکته از مونوگرافی چند دهه پیش صفی نژاد تا مستند امروز وهررام-از این ده که به لباس شهری درآمده - را می‌توان دنبال کرد.

تاریخ و جغرافیا و هویت تهران غنوده در پای دامنه‌های البرز و در گستره ری تا دشت‌های ورامین و قم است. هویت تاریخی‌ای که اینک عناصر اصلی اش بی نام و نشان و کار کرد شده اند نخست قلمه‌هایند. از قلمه‌های گبری نظیر قلمه ایرج (یا زو ران) و ورامین گرفته - که عظیم‌ترین قلمه خشتی بجا مانده از دوران ماقبل اسلام دانسته شده است - تا قلمه گبری و ذریشان خودری. این قلاع گرفتار در وضعیت تراژیک تخریب، انگشت شمار اینیه باستانی بازمانده آن اعصارند که بی بار و یاور و یاد و پاسناشت، رو به نابودیند و در محاصره خیابان‌های جدید و عابران قریب وغریق خویش، ظاهرا غریبه و زایده‌ای نجسب بر تن شهرهایند. در این خط سیر قلمه نشان (از ورامین تا ری)، این گونه قلاع بسیار بوده‌اند از چنگال غول و ماشین تغییر، قلاع اربابی شده‌ای چون طالب آباد و قلعه نو (یا تپه میل یا آتشکده مشهور بهرام ری) و کهریزک هم کمال هنوز تنی چند - اما زخمی و بی سر- بازمانده‌اند اما دیگر نه چون گذشته اسیر ارباب، بل وارفته در تل خاک و آرام گرفته در زمین‌های کشاورزی و زراعت و درامحلال، صرفاً متولی تأمین سبزیجات و صیفی‌جات شهریان غافل از تاریخند. نمونه مهم آن قلمه ایرج (فرزند فریدون که ضحاک را دریند کرد) در ورامین است که تاریخ کهن گرداگرد دیوارهای خشتی این قلمه ساسانی (کهن‌ترین بنای خشتی جهان)، بر کرت‌ها و بوته‌های صیفی جات و سبزیجات کشیده و روپیده بر صحن قلمه، به فنا و نابودی می‌رود یا قلمه اشکانی ری که خیابان‌های سرب‌آورده حول کوه بی بی شهربانو و کارخانه اسقاط شده سیمان ری (به عنوان نخستین کارخانه صنعتی) آنها را چون غارنشینان اصحاب کیفی کرده‌اند که از پس سال‌ها، تاریخ‌زده، سر بلند کرده اند. همسایگی قلمه عصر اشکانی و کارخانه دوران پهلوی که هر دو روزگار شکوه را بسر رسانده‌اند روح تاریخ را که دود کردن و به خاک و

ضمیمه فرهنگی روزنامه اطلاعات



محمدرضامهدی‌زاده*

محمدرضامهدی‌زاده*

محمدرضامهدی‌زاده*

آسمان فرستان (ناپایداری است برای ناظر هوشیار زنده می‌کند. اگر کاروانسراهای ساسانی تا صفوی این خطه عمدتاً از بین رفته‌اند اما محدودی از آنها درحسن آباد و کویرهای مجاور (مانند دیر گچین و-) بازمانده‌اند و با ورامینی که حلقه اتصال راه‌های شاهی جبال بوده هنوز خبر از مرکزیت وموقعیت گذرگاهی ممتد و کهن ری می‌دهند. مرکزیت ومختصات گره گاهی‌ای که اینک هم با چندین بزرگراه از تهران به اطراف احیا شده‌است. اما اگر از راه‌های باستانی و کاروانسراهای منتهی به ری وشاه عبدالعظیمش، با آن سیمایی که حداقل ماکسیم سیرو برای ما ثبت کرده دیگر اثر مالروانه وخاکی وقجری خویش را دریای آسفالت‌های سیاه و قیر اندود به تاریخ سپرده‌اند اما، این قلاع دفاعی و نظامی، سخت جانی بیشتر کرده‌اند. عنصر سوم رویه اختصار تاریخی در پای تهران، گورستان‌ها یا به تعبیری کهن، دخمه‌هایندادواربراون در عصر ناصری گزارش جالبی از دخمه یا استوان زرتشتی‌های ری می‌دهد و آن را یکی ازچند دخمه یا استوان بزرگ آنها در ایران می‌داند.ولایته پوشیده نیست که ری نشینان وتهرانیان مجاورش،بعد اسلام هم به نقب زنی و دخمه سازی در ایرانشهر آن سالها مشهره بوده‌اند.رش به روایت یاقوت حموی، مولوی بلخی و وسفرنامه این فضلان از ری و تهران آن سالها)، هرچند در ری از فرهنگ مزیدسنایی عصر ساسانی (تن نایاک و پاکی و تقدس عناصر ابرعه وازجمله خاک) و استوان‌هایش، تپه‌ای هنوز بازمانده اما گویا جبر روزگار هنوز دخمه‌ها و گودها و فرودستی‌های اجتماعی سیاسی و- را از این خاک برنداشته‌اند.دخمه‌هایی که هنوز می‌توانند محل اختفا یاپوتنه فرومایگان و طردشدگان و واماندگان قدرت ونابرابری اجتماعی وسیاسی شوند. اما ری گرچه تاقیگاه سیاست وحکمرانی سلسله‌های آل بویه و دیالمه و سلاجقه و قجریه و پهلوی شده است اما ابزار و یراق و دستگاه حکومت از زمان پهلوی دوم و تالو و زرق و برق شبه مدرنیستی‌اش مجال واندیشه ماندن در کنار ری نداشت و دریند و نیاوران و سعادیا خنکا و



عظمت همراه با تاللو غربی بیشتری را بدان می‌بخشید. و اینگونه بود که سیاست از تراز ری تا ارگ قاجاری تهران در مجاورش(تا مشروطیت) به پای کوه‌ها جابجا می‌شد و کوچ می‌کرد و در ری، دخمه‌های سیاست جای دخمه‌های کهن را می‌گرفت. اما سیاست تمکین خواه ومشتاق خدمت فرهنگ و دانش بخود است و ری و جنوب تهران در این آوردگاه خوش درخشیده است.درخششی که آوردگاهش را در زمینی حول محور ودوقبلی‌ای می‌توان ترسیم کرد که یکی کتاب و نگارنده من لایحضره الفقیه است و دیگری من لایحضره الطیبیه زکریای رازی و این بابویه قبی گستره و پیهنه دانشوری و فرهنگی‌ای را از ری شکل دادند که بخشی ازتاریخ و مجادلات کلامی آن فضا در قرون بعد در کتاب النقض قزوینی رازی برای ما به یادگار مانده است.کتابی که مانیشت مجادلات کلامی و معرف فضایی است که این دو نفر و نگاهشان را شاید بتوان سرنمون و بانیان این فضای ری وارِه و رویکرد متکثر، دگرگن‌یاشانه و علامه نگر و دایره المعارف‌سازی از علوم عصرشان واژ نوع ری- گونه‌ای، درجهان اسلام دانست.عنوان دو کتاب جالب است کسی که نیاز به حضور فقیه و طیب ندارد و این کتب مرجع‌های اوست: نوعی نگاه املس‌وار و فرهنگ جو و طالب کل علوم از یک سو و استقلال و خود آموزی حاکم بر آن عصر.

شکوه و خاطره کهن در اکنون روزنوال، دیگر عطر و بو و روحی ندارد. آیا ری گورستان تاریخ و آرامستان گذشته‌های طلایی پایتخت کنونی است که امروز در زرق وبرق وتجمل مصرفی شبه مدرنیسم پهلوی و مخاطراتش دست و پا می‌زند واین میراث را به نیسان و انزوا سپرده است. آیا ری ما هم کوچک شده ایران ترسیمی هدایت است که ری و ورامین را در بوف کور و سگ ولگرد به قاب تحلیل اضمحلال آن روز ایران نشاند.بود گلایل‌های پر نقش و نگار باستانی و پیر خنزر بنثری ری و زن جوان و انثیری که از فرشتگی به لکاتگی میل نموده بود؟؟!

جنوب تهران اینک با عنصر دیگر تشخیص می‌یابد که همان گورستان‌های معروف چند گانه اوست. هر چند شمال و غرب تهران هم ظهیرالوله ودارا اما این ابن بابویه و بهشت زهرايند که گذشته باقی این پایتخت(یکی باستانی و دیگر معاصر) را در خود پذیرفته‌اند. گویا خزانه بقا وعالم ارواح و خاموشان و لوح محفوظ تهران را در این بهشت خفتگان و فرار برخیزان عصر کنونی از دوزخیان دنیای سرد تهران بدان باید یافت. ری در میان این دو گورستان جدید و قدیمی آرمیده‌است وگشتگان قانی سال ها و نسل‌ها، بر زمین خاکی آن دراز کشیده و خفته‌اند و امروزیان و پرنجب و فراموشکاری را ناظرند که روزی به آنها بازخواهند گشت. همه از شمال به جنوب و از بلندی فلکی، به فرودست خاکی نزول اجلال خواهیم کرد و دریای نیاکان چندقرنی خفته بر این خاک-گذشته را یاخوایم آورد و در تاستخی با زبان پاک انثیری و مردان مجاهد و قنالاگر زمینی درخواهیم یافت که زندگان امروز بر دوش و زیر خاک و آسمان مردگان دیروز می‌زیند و پای حیاتشان چه سست نیابد و خاکبست.

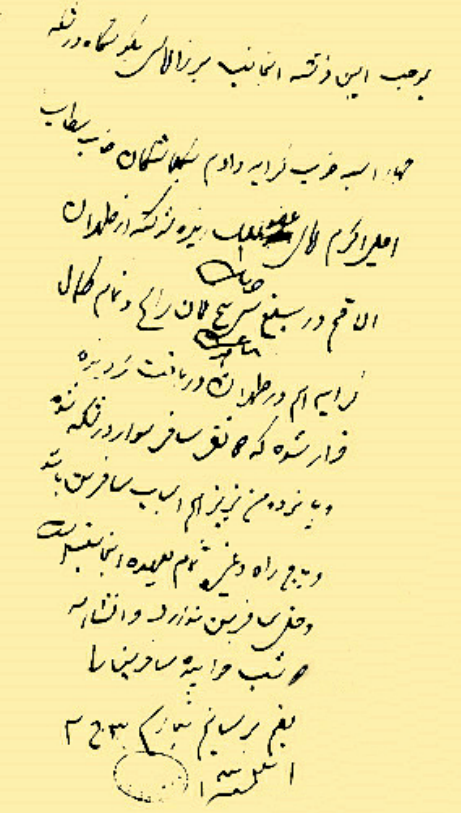
اما زندگی ادامه دارد و رگ حیات امروز پایتخت با دود و بخار و گازهای پالایشگاهی می‌طبد که از سال‌های ۱۳۳۷ تاکنون پالوده و آلوده است، ولی خون انرژی را در رگ‌های تهران ریخته است. خونی که از چاه‌های نفت جنوب تا این قلب صنعتی شمال، آمده و در محصولاتی فسیلی در جان تهران ماشینی بازتوزیع شده است. اما این قلب انرژی پایتخت، بسان گذشته نمادی از مدرنیسم ایرانی از نوع صنعتی و نفتی عصر خویش هم هست، برج‌ها و مخازن سر افراشته در میان بیشه‌ها و زمین‌های کشاورزی خیرآباد و باقرآباد و-، که نفتخوار و نفت بار پایتختند امروز معادل همان برج‌های سرب‌افراشته شمال تهرانند ودمکه و سر حیاتشان را در کف دست خود دارند. آنها در عوض برج‌های کهن طغرلی، با آهن و زنگار بجای خشت و چوب سربلند کرده‌اند و بجای اموات، خون جهان نو را دربر گرفته‌اند. در این یروخی و فسردهگی آهن و آلایندگی، هنوز هم هستند درختان و سروقامتان و چارپایان سرگردان در این روستاها و بیشه‌های اطراف، و هستند یاس‌های پیچیده بر فنس‌های این شهرنفتی که بوی شب بو و عشق و حیات و حلولت زندگی نشنر دهند.ولو آنکه آن را بیچ امین الدوله بخوانند وگل یاس را باقدرت و مکتنت، قرین و ترجمه کنند)، آنچه ماندنی است عشق است و محبت و آسانیتی که درشکاف آهن و دود و مدرنیسم این چنینی چون یاس به هرجا خواهد پیچید و خواهد رست و رشد خواهد کرد و به همه جا طعر خواهد پاشید و شب‌های تار را عطر و بو و نور افشای و روح‌نویز خواهد کرد. شاید برخلاف فسردهگی و سرخوردگی هدایت حیران و و پران در این خطه و محشوربا روح مدب و از گوربر خاسته و در طیران میان این آرامستان‌های خفتگان تاریخ که بر اینجا سر نهاده‌اند، بتوایم روزهای باشکوه ری و تهرانش را دوباره احیاکنیم. روزهایی که علم و دانش و حریت و رواداری و گفتگو و برابری و کار بر پای این آبرفت البرز و سرزمین گلزارهای فریدون ظفرمند برضحاک و کوه دماوندش، هزاره‌ای دیگر برپاکنند.

*** دکترای جامعه شناسی ، محقق و پژوهشگر**



چهارشنبه ۱۸ دی ۱۳۹۸- سال نودوچهارم - شماره ۲۷۴۷۱

سندی که تصویر آن را در این صفحه مشاهده می کنید ، متعلق به مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران و قبض رسیدی است از شخصی به نام «میرزا آقاسی» که در تاریخ سوم جمادی‌الثانی ۱۳۳۱قمری برابر با روز شنبه ۲۰ اردیبهشت ۱۲۹۲ شمسی (۱۰۶ سال پیش) برای عبدالملک (که گویا نایب السلطنه بوده)نوشته شده است. این رسید محض اجاره یک دستگاه درشکه، درمسیر تهران به قم، به ازای پرداخت کرایه و وصول آن صادر شده است.



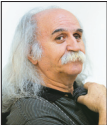
در این سند تاریخی (که روزی کاغذ پاره ای بیش نبوده)نوشته شده: اینجناب میرزا آقاسی، یک دستگاه درشکه چهار اسبه خوب کرایه دادم به گماشتگان جناب مستطاب اجل اکرم آقای عضدالملک (دامت شوکت)، از طهران الی قم در مبلغ سی و پنج تومان و هفده دینار وچه رایج، و تمام و کمال کرایه‌ام در طهران دریافت گردیده، قرار شده که دو نفر مسافر سوار درشکه‌شده و بازده من تیریز هم اسباب مسافرن باشند و باج راه و غیره تمام به‌عهده اینجناب است، دحلی به مسافرن ندارد. و آن شالاهه دو شب خوابیده مسافرن را به قم برسانیم. به تاریخ ۳ جمادی‌الثانی ۱۳۳۱ (اثر مهر بیضی که ناخواناست) این سند به ما می گوید که: میرزا آقاسی (حد اقل) یکی از درشکه داران یا درشکه سواران تهران در آن روزگار بوده است و اما سند دیگری هم هست که به نقل از کتاب «تاریخ اقتصادی ایران در عصر قاجار» نوشته چارلز عیسوی، با ترجمه یعقوب آژند، نشر گستره، ۱۳۶۲شمسی برایتان می‌آورم که نشان می‌دهد نخستین کسانی که سببستم وفرهنگ درشکه رانی و درشکه سواری را در تهران قدیم راه اندازی کردند، چه کسانی بودند.

این سند که از جانب حق مقام بازرگانی سفارت انگلیس در تهران به وزارتخانه متبوعش در لندن مخابره شده ، تاریخچه شکل گیری شرکت درشکه رانی در تهران را نشان می‌دهد :

حمل ونقل با درشکه در تهران

۱۸۹۱ م. /۱۵ دیلوی به ربیوت ، ۱۵/ دسامبر ۱۸۹۱ م / Ae مکاتبات بازرگانی / تهران / که گزارش شماره ۲۴ به تاریخ ۲۵ ژوئن ۱۸۹۰ م. به آن جناب اطلاع دادم که دولت ایران به یکی از اتباع خود به نام آقای « میرزا جوادخان» امتیازی برای ایجاد شرکت درشکه رانی واگذار کرده است .

صاحب امتیاز حق انتقال امتیاز خود به دیگری را ندارد . ولی حق دارد شرکتی برای بهره‌برداری از آن راه بیندازد . میرزا جوادخان که یکی از کارمندان عالی‌رتبه وزارت امور خارجه است، پس از چندین گرهمایی شرکتی را ایجاد کرد که خود ریاست آن را دارد و اعضایش به ترتیب زیر می باشد : «دنیس» مدیر راه آهن (شاه عبدالعظیم) ، «لمای» سردسته موزیسین‌های شاه ، « مرنیس» که دارای امتیاز ایجاد یک مؤسسه



. حسن فرامند

روزگار سورچی‌ها و درشکه‌ها در تهران

ساعات مقرر، کالسکه لازم داشت، می‌توانست از دوایر شرکت، کالسکه مخصوص کرایه کند

از دیگر وسایل که برای جابه‌جایی مسافر در تهران استفاده می‌شده و واکن آسی بوده است، همانطور که مشخص است توسط اسب کشیده می‌شده و به متصدی آن «سورچی» می‌گفتند اولین خط واکن اسب در تهران، در سال ۱۳۰۷ق و در دوران ناصرالدین شاه قاجار کشیده شد و امتیاز آن به یک شرکت بلژیکی، داده شده بود.

درشکه‌رانی در عهد رضاشاه

رفت و آمد مردم و چهارپایان بارکش، و دیگر وسایل نقلیه آن زمان، که هیچ کدام مانستی با اتومبیل نداشت، قرن‌ها بدون تغییر ادامه یافته بود.

... تا این که سرانجام قدرت به دست رضاخان افتاد در این دوران با انتخاب سرهنگ بوذرجمهری افسر قزاق، به کفالت بلایه (شهرداری) تهران، برای اولین بار گنرهای تنگ و باریک با تخریب خانه و باغ و مغازه مردم یکی پس از دیگری به خیابان‌های عریض و مناسب برای رفت و آمد اتومبیل‌ها و حتی درشکه تبدیل شدند.

در همین دوران است که، برای درشکه‌چی‌ها هم، مقرراتی وضع شد و آنان را که در زمره بی‌نظم‌ترین شهروندان بودند، به نظم کشید در «روژکی» روسی، اصلاً نام وسیله نقلیه کوچک و سبکی در روسیه، دارای دو یا چهار چرخ است که به وسیله اسب کشیده می‌شد. این نام در روسیه و ممالک اروپا و ایران به وسایط مشابه نیز اطلاق شده است.»

درشکه نیز وسیله‌ای بود، که به صورت یک صندلی دو نفره بر روی چهار چرخ‌های قرار گرفته، و معمولاً توسط دو اسب کشیده می‌شد. بعد از جنگ جهانی دوم که مردم از نظر مالی موقعیت خوبی نداشتند، به ناچار از یک اسب استفاده کردند.

اولین درشکه‌ها

درشکه، همراه با رنگ و روغن‌های عالی، و چرخ‌های چهارطرف شش‌های کریستال قشنگ، بادگیرهای لب طلایی‌دار، و دو اسب نیرومند یک رنگ، و سورچی‌های شق و رق نشسته محکم (خبردار) بگو، در اختیار مردم قرار گرفت. ابتدا زیر پای فکلی‌مآب‌ها و بچه تاجرها و پسر حاجی‌های پولدار درآمد. و پس از آن داش‌مندی‌ها و خانم‌بازها، از آن استفاده نموده، وسیله اغوای زنان تازه‌کار شدند. بعد از جنگ جهانی دوم، به دلیل کمبود علوفه، دو اسبشان به یک اسب تبدیل شدند.

۱. راننداختن درشکه، در شهرها بدون پروانه شهرداری ممنوع است.
ماده ۱. پشت درشکه باید با عدد فارسی شماره نصب شود
ماده ۶ درشکه باید نظیف باشد و تشک آن از چرم یا مخمل یا ماهوت‌باشد.
ماده ۷. درشکه باید بوق یا زنگ خبر نصب کند.
ماده ۸ اسب درشکه باید قوی باشد و مبتلا به امراض مسری نباشد.
ماده ۹. بستن اسب تعلیم ندیده و بدخو به درشکه ممنوع است.
ماده ۱۶. شرایط رانندگی درشکه، سن کمتر از ۲۳ سال نباشد.
ماده ۱۸. راننده درشکه، از لباس متحدالشکل معاف ولی کلاه باید داشته‌باشد.

ماده ۲۰. سر شلاق درشکه نباید فلز یا گره داشته باشد.
ماده ۲۲. رانندگان باید هنگام سوار و پیاده شدن مسافر با برداشتن کلاه احترام کنند.

ماده ۲۴. راننده درشکه باید بوق یا زنگ خبر نبوشد.
ماده ۲۶. بی‌احترامی و بد اخلاقی و خشنونت نسبت به مسافر اکیداً ممنوع

ماده ۲۷. درشکه باید از سمت راست خیابان عبور کند.
ماده ۲۹. در خیابان‌های سراسرپب باید فوق‌العاده آهسته حرکت کنند.
ماده ۳۵. راننده هنگام توقف باید دست راست خود را با شلاق بلند کند، تا راننده پشت او مطلع گردد.
ماده ۳۷. راننده فقط حق دارد کرایه نرخ تعرفه را طلب نماید.
ماده ۴۶. حمل تعش با درشکه ممنوع است.



یک‌سکه مطالعات تاریخ معاصر ایران www.iichs.org

هر شهر و کوبی آرمیده بردهان دال مر کزی ونمادی مجوری است که عمدتا از آن نقطه کانونی، روایت وهویت می‌یابد و به اطراف پیرامونش جهت و معنا می‌بخشد. این دال لزوما مکانی یا عینی نیست وگاه به یمن سرمایه تاریخی وفرهنگی، انرژی کل یک خطه را حول خود متمرکز و چوله می‌کند در تهران علی رغم نمادها و سازه‌ها و برج‌های عمودی وافقی شاخصی چون آزادی و میلاد ری هنوز از خود انرژی و تاریخ را برخطه پایتخت پمپاژ می کند ولو اینکه خاموش و در سکوت و حاشیه درافتاده باشد و نماد و عنصر کوچک و کودکش هم پالاشگاهی است که خون وحیات انرژی را در رگ‌های در هم تنیده کارگاه‌ها وخودروهای درسیان این کلان شهر، جاری می‌سازد.

ری یا رگای پارتی و ساسانی، جای خوشی را بر دامنه‌های دوردست البرز از یک سو و کویر و دشت‌های جنوبی ایالت جبال کهن از سوی دیگر تثبیت کرده است. با این تفاوت که از ازمئه قدیم، برف و باد و باغ و باران و صفا و مجموعه‌ای از سایه‌ها و چنارستان‌ها نصیب شمال و دامنه‌هایش و سیلاب و گرما و ته مایه‌ها و نواله‌ها در جنوب در ته چوئی و کناره خوان ثروت باقی نپهاده شده‌اند. حتی در نه‌زت القلوب حمدالله مستوفی، ری به سبب بسته بودن شمالش، دارای آب و هوای متعفن و ناگوارنده قلمداد شده و عقرب قتال در او بسیار آلودگی و تیرگی و زهرایی که حتی هنوز از زمین و آسمان ری رخ برنمیست و کمتر که نه، با غول صنعت بیشترهم شده است. در شعری که خاقانی شروانی در زمان سکونتش در ری در قرن ششم بر این باره سروده این نکته نیز مشهود است:

خاک سیاه بر سر آب و هوای ری

دور از مجاوران مکارم نمای ری

آن را که تن به آب و هوای ری آورند

دل آب و جان هوا شد از آب و هوای ری

عقرب نهند طالع ری من ندانم آن

دائم که عقرب تن من شد لقای ری. اما ری محدود به جغرافیا و طبیعی در زندان جنوب نمانده و سه عنصر صنعت، سنت وفلاحت آن را دگرگون کرده و در تالقایی با فرهنگ و سیاست و مدرنیت قرار داده اند. آبرفت‌ها و آبروه‌ای پایین دست و قلال البرز بالادشتش، کشاورزی و زراعت و باغداری را در ری تا آستانه کویر و شوری حوض سلطان و کویرنمک مجاور ورامین و قم به پیش برده است.دشت ورامین و چرقت تا پای شهری مدخل و محل شگفتن چشمه‌ها و قنات‌ها و رودهای بوده است برای رستن و روئیدن و سبز کردن انواع گیاه و نهال. و اگر شماری از سرزمین‌های سبز و کشاورزی دیروز، در پای غول‌های زمین خواری و زمین سازی امروز ذبح و ناپدید شده اند، اما بهشت سبز و چون شمالی را در روستاها و مزارع اطراف این خطه هنوز می‌توان حس و تصور کرد.قلعه نو و طالب آباد یک نمونه‌اند که اینک در هیاهوی اتصال به تهران از گذشته کهن و زراعی خود فصل و قطع را برگزیده‌اند و اگر نبود اسناد و نوشته‌ها و مطالعات مؤسسه مطالعات اجتماعی دانشگاه تهران، از دیروزش هیچ خبر نداشتیم. و این نکته از مونوگرافی چند دهه پیش صفی نژاد تا مستند امروز وهررام-از این ده که به لباس شهری درآمده - را می‌توان دنبال کرد.

تاریخ و جغرافیا و هویت تهران غنوده در پای دامنه‌های البرز و در گستره ری تا دشت‌های ورامین و قم است. هویت تاریخی‌ای که اینک عناصر اصلی اش بی نام و نشان و کار کرد شده اند نخست قلمه‌هایند. از قلمه‌های گبری نظیر قلمه ایرج (یا زو ران) و ورامین گرفته - که عظیم‌ترین قلمه خشتی بجا مانده از دوران ماقبل اسلام دانسته شده است - تا قلمه گبری و ذر رشان خودری. این قلاع گرفتار در وضعیت تراژیک تخریب، انگشت شمار اینیه باستانی بازمانده آن اعصارند که بی بار و یاور و یاد و پاسناشت، رو به نابودیند و در محاصره خیابان‌های جدید و عابران قریب وغریق خوشی، ظاهرا غریبه و زایدی محسوب بر تن شهرهایند. در این خط سیر قلمه نشان (از ورامین تا ری)، این گونه قلاع بسیار بوده‌اند از چنگال غول و ماشین تغییر، قلاع اربابی شده‌ای چون طالب آباد و قلعه نو (یا تپه میل یا آتشکده مشهور بهرام ری) و کهریز یک هم کابل هنوز تنی چند - اما زخمی و بی سر- بازمانده‌اند اما دیگر نه چون گذشته اسیر ارباب، بل وارفته در تل خاک و آرام گرفته در زمین‌های کشاورزی و زراعت و درامحلال، صرفاً متولی تأمین سبزیجات و صیفی‌جات شهریان غافل از تاریخند. نمونه مهم آن قلمه ایرج (فرزند فریدون که ضحاک را دریند کرد) در ورامین است که تاریخ کهن گرداگرد دیوارهای خشتی این قلمه ساسانی (کهن‌ترین بنای خشتی جهان)، بر کرت‌ها و بوته‌های صیفی جات و سبزیجات کشیده و روپیده بر صحن قلمه، به فنا و نابودی می‌رود یا قلمه اشکانی ری که خیابان‌های سرب‌آورده حول کوه بی بی شهربانو و کارخانه اسقاط شده سیمان ری (به عنوان نخستین کارخانه صنعتی) آنها را چون غار نشینان اصحاب کیفی کرده‌اند که از پس سال‌ها، تاریخ‌زده، سر بلند کرده اند. همسایگی قلمه عصر اشکانی و کارخانه دوران پهلوی که هر دو روزگار شکوه را بسر رسانده‌اند روح تاریخ را که دود کردن و به خاک و

ضمیمه فرهنگی روزنامه اطلاعات



محمدرضامهد یزاده*

محمدرضامهد یزاده*

محمدرضامهد یزاده*

محمدرضامهد یزاده*

محمدرضامهد یزاده*

محمدرضامهد یزاده*

محمدرضامهد یزاده*

محمدرضامهد یزاده*

محمدرضامهد یزاده*

محمدرضامهد یزاده*

محمدرضامهد یزاده*

محمدرضامهد یزاده*

محمدرضامهد یزاده*

محمدرضامهد یزاده*

محمدرضامهد یزاده*

محمدرضامهد یزاده*

محمدرضامهد یزاده*

محمدرضامهد یزاده*

محمدرضامهد یزاده*

محمدرضامهد یزاده*

محمدرضامهد یزاده*

محمدرضامهد یزاده*

محمدرضامهد یزاده*

محمدرضامهد یزاده*

محمدرضامهد یزاده*

محمدرضامهد یزاده*

محمدرضامهد یزاده*

محمدرضامهد یزاده*

محمدرضامهد یزاده*

محمدرضامهد یزاده*

محمدرضامهد یزاده*

محمدرضامهد یزاده*

محمدرضامهد یزاده*

محمدرضامهد یزاده*

محمدرضامهد یزاده*

محمدرضامهد یزاده*

محمدرضامهد یزاده*

محمدرضامهد یزاده*

محمدرضامهد یزاده*

محمدرضامهد یزاده*

محمدرضامهد یزاده*

محمدرضامهد یزاده*

محمدرضامهد یزاده*

محمدرضامهد یزاده*

محمدرضامهد یزاده*

محمدرضامهد یزاده*

محمدرضامهد یزاده*

محمدرضامهد یزاده*

چهارشنبه ۱۸ دی ۱۳۹۸- سال نودوچهارم - شماره ۲۷۴۷۱

عظمت همراه با تاللو غربی بیشتری را بدان می‌بخشید. و اینگونه بود که سیاست از تراز ری تا ارگ قاجاری تهران در مجاورش(تا مشروطیت) به پای کوه‌ها جابجا می‌شد و کوچ می‌کرد و در ری، دخمه‌های سیاست جای دخمه‌های کهن را می‌گرفت. اما سیاست تمکین خواه ومشتاق خدمت فرهنگ و دانش بخود است و ری و جنوب تهران در این آوردگاه خوش درخشیده است.درخششی که آوردگاهش را در زمینی حول محور ودوقبلی‌ای می‌توان ترسیم کرد که یکی کتاب و نگارنده من لایحضره الفقیه است و دیگری من لایحضره الطیبیه زکریای رازی و این بابویه قبی گستره و پیهنه دانشوری و فرهنگی‌ای را از ری شکل دادند که بخشی ازنتایج و مجادلات کلامی آن فضا در قرون بعد در کتاب النقض قزوینی رازی برای ما به یادگار مانده است.کتابی که مانیشت مجادلات کلامی و معرف فضایی است که این دو نفر و نگاهشان را شاید بتوان سرنمون و بنیان این فضای ری واره و رویکرد متکثر، دگرگن‌یاشانه و علامه نگر و دایره المعارف‌سازی از علوم عصرشان واژ نوع ری- گوناغی، درجهان اسلام دانست.عنوان دو کتاب جالب است کسی که نیاز به حضور فقیه و طیب ندارد و این کتب مرجع‌های اوست: نوعی نگاه املس‌وار و فرهنگ جو و طالب کل علوم از یک سو و استقلال و خود آموزی حاکم بر آن عصر.

شکوه و خاطره کهن در اکنون روزنوار، دیگر عطر و بو و روحی ندارد. آیا ری گورستان تاریخ و آرامستان گذشته‌های طلایی پایتخت کنونی است که امروز در زرق وبرق وتجمل مصرفی شبه مدرنیسم پهلوی و مخاطراتش دست و پا می‌زند واین میراث را به نیسان و انزوا سپرده است. آیا ری ما هم کوچک شده ایران ترسیمی هدایت است که ری و ورامین را در بوف کور و سگ ولگرد به قاب تحلیل اضمحلال آن روز ایران نشاند.بود گلایل‌های پر نقش و نگار باستانی و پیر خنزر بنثری ری و زن جوان و انثیری که از فرشتگی به لکاتگی میل نموده بود؟؟!

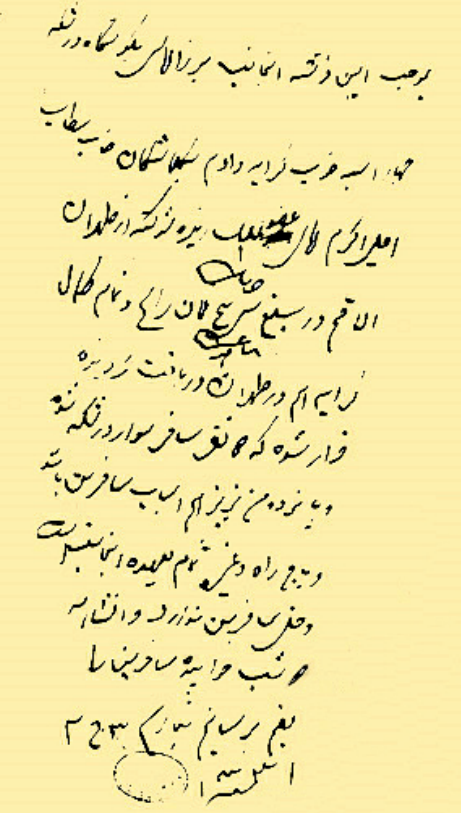
جنوب تهران اینک با عنصر دیگر تشخیص می‌یابد که همان گورستان‌های معروف چند گانه اوست. هر چند شمال و غرب تهران هم ظهیرالولله ودر ادا ما این ابن بابویه و بهشت زهرايند که گذشته باقی این پایتخت(یکی باستانی و دیگر معاصر) را در خود پذیرفته‌اند.گویا خزانة بقا وعالَم ارواح و خاموشان و لوح محفوظ تهران را در این بهشت خفتگان وقرار برخیزان عصر کنونی از دوزخیان دنیای سرد تهران بدان باید یافت. ری در میان این دو گورستان جدید و قدیمی آرمیده‌است وگشتگان قانی سال ها و نسل‌ها، بر زمین خاکی آن دراز کشیده و خفته‌اند و امروزیان پربنج و فراموشکاری را ناظرند که روزی به آنها بازخواهند گشت.همه از شمال به جنوب و از بلندی فلکی، به فرودست خاکی نزول اجلال خواهیم کرد و دریای نیاکان چندقرنی خفته بر این خاک-گذشته را یابخواییم آورد و در تاستخی با زبان پاک انثیری و مردان مجاهد و تقالاکر زمینی درخواهیم یافت که زندگان امروز بر دوش و زیر خاک و آسمان مردگان دیروز می‌زیند و پای حیاتشان چه سست نیابد و خاکبست.

اما زندگی ادامه دارد و رگ حیات امروز پایتخت با دود و بخار و گازهای پالایشگاهی می‌طبد که از سال‌های ۱۳۳۷ تاکنون پالوده و آلوده است، ولی خون انرژی را در رگ‌های تهران ریخته است. خونی که از چاههای نفت جنوب تا این قلب صنعتی شمال، آمده و در محصولاتی فسیلی در جان تهران ماشینی بازتوزیع شده است. اما این قلب انرژی پایتخت، بسان گذشته نمادی از مدرنیسم ایرانی از نوع صنعتی و نفتی عصرخوش هم هست، برج‌ها و مخازن سر افراشته در میان بیشه‌ها و زمین‌های کشاورزی خیرآباد و باقرآباد و... که نفتخوار و نفت بار پایتختند امروز معادل همان برج‌های سرب‌افراشته شمال تهرانند وکمه و سر حیاتشان را در کف دست خود دارند. آنها در عوض برج‌های کهن طغری، با آهن و زنگار بجای خشت و چوب سربلند کرده‌اند و بجای اموات، خون جهان نو را دربر گرفته‌اند. در این بی‌روحی و فسردهگی آهن و آلایندگی، هنوز هم هستند درختان و سروقامتان و چارپایان سرگردان در این روستاها و بیشه‌های اطراف، و هستند یاس‌های پیچیده بر فنس‌های این شهرنفتی که بوی شب بو و عشق و حیات و حادثت زندگی نشنر دهند.ولو آنکه آن رایج امین الدوله بخوانند وگل یاس را باقدرت و مکتنت، قرین و ترجمه کنند!، آنچه ماندنی است عشق است و محبت و آسانیتی که درشکاف آهن و دود و مدرنیسم این چنینی چون یاس به هرجا خواهد پیچید و خواهد رست و رشد خواهد کرد و به همه جا طعر خواهد پاشید و شب‌های تار را عطر و بو و نور افشانی و روح‌نویزی خواهد کرد. شاید برخلاف فسردهگی و سرخوردگی هدایت حیران و و پران در این خطه و محشوربا روح مدب و از گوربر خاسته و در طیران میان این آرامستان‌های خفتگان تاریخ که بر اینجا سر نهاده‌اند، بتوانیم روزهای باشکوه ری و تهرانش را دوباره احیاکنیم. روزهایی که علم و دانش و حریت و رواداری و گفتگو و برابری و کار بر پای این آبرفت البرز و سرزمین گلازمای فریدون ظفرمند برضحاک و کوه دماوندش، هزاره‌ای دیگر بریاکند.

این سند که از جانب حق مقام بازرگانی سفارت انگلیس در تهران به وزارتخانه متبوعش در لندن مخابره شده ، تاریخچه شکل گیری شرکت درشکه رانی در تهران را نشان می‌دهد :
حمل ونقل با درشکه در تهران
۱۸۹۱ م .
۱۵ دیلوی به ربیوت ، ۱۵ / دسامبر ۱۸۹۱ م / Ae مکاتبات بازرگانی / تهران /
اگر گزارش شماره ۲۴ به تاریخ ۲۵ ژوئن ۱۸۹۰ م ، به آن جناب اطلاع دادم که دولت ایران به یکی از اتباع خود به نام آقای « میرزا جوادخان» امتیازی برای ایجاد شرکت درشکه رانی واگذار کرده است .

صاحب امتیاز حق انتقال امتیاز خود به دیگری را ندارد . ولی حق دارد شرکتی برای بهره‌برداری از آن راه بیندازد . میرزا جوادخان که یکی از کارمندان عالی‌رتبه وزارت امور خارجه است، پس از چندین گردهمایی شرکتی را ایجاد کرد که خود ریاست آن را دارد و اعضایش به ترتیب زیر می باشد : «دنیس» مدیر راه آهن (شاه عبدالعظیم) ، «لمای» سردسته موزیسین‌های شاه ، « مرنیس» که دارای امتیاز ایجاد یک مؤسسه

سندی که تصویر آن را در این صفحه مشاهده می کنید ، متعلق به مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران و قبض رسیدی است از شخصی به نام «میرزا آقاسی» که در تاریخ سوم جمادی‌الثانی ۱۳۳۱قمری برابر با روز شنبه ۲۰ اردیبهشت ۱۲۹۲ شمسی (۱۰۶ سال پیش) برای عبدالملک (که گویا نایب السلطنه بوده)نوشته شده است. این رسید محض اجاره یک دستگاه درشکه، درمسیر تهران به قم، به ازای پرداخت کرایه و وصول آن صادر شده است.



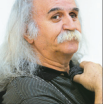
در این سند تاریخی (که روزی کاغذ پاره ای بیش نبوده)نوشته شده : اینجناب میرزا آقاسی، یک دستگاه درشکه چهار اسبه خوب کرایه دادم به گماشتگان جناب مستطاب اجل اکرم آقای عضدالملک (دامت شوکت)، از طهران الی قم در مبلغ سی و پنج تومان و هفده دینار وچه رایج، و تمام و کمال کرایه‌ام در طهران دریافت گردیده، قرار شده که دو نفر مسافر سوار درشکه‌شده و بازده من تیریز هم اسباب مسافرین باشد و باج راه و غیره تمام به‌عهده اینجناب است، دحلی به مسافرین ندارد. و آن شالوده دو شب خوابیده مسافرین را به قم برسانیم.

این سند به ما می گوید که: میرزا آقاسی (حد اقل) یکی از درشکه داران یا درشکه سازان تهران در آن روزگار بوده است و اما سند دیگری هم هست که به نقل از کتاب «تاریخ اقتصادی ایران در عصر قاجار » نوشته چارلز عیسوی ، با ترجمه یعقوب آژند، نشر گستره ، ۱۳۶۲شمسی برایتان می‌آورم که نشان می‌دهد نخستین کسانی که سیستم و فرهنگ درشکه رانی و درشکه سواری را در تهران قدیم راه اندازی کردند، چه کسانی بودند.

این سند که از جانب حق مقام بازرگانی سفارت انگلیس در تهران به وزارتخانه متبوعش در لندن مخابره شده ، تاریخچه شکل گیری شرکت درشکه رانی در تهران را نشان می‌دهد :

حمل ونقل با درشکه در تهران
۱۸۹۱ م .
۱۵ دیلوی به ربیوت ، ۱۵ / دسامبر ۱۸۹۱ م / Ae مکاتبات بازرگانی / تهران /
اگر گزارش شماره ۲۴ به تاریخ ۲۵ ژوئن ۱۸۹۰ م ، به آن جناب اطلاع دادم که دولت ایران به یکی از اتباع خود به نام آقای « میرزا جوادخان» امتیازی برای ایجاد شرکت درشکه رانی واگذار کرده است .

صاحب امتیاز حق انتقال امتیاز خود به دیگری را ندارد . ولی حق دارد شرکتی برای بهره‌برداری از آن راه بیندازد . میرزا جوادخان که یکی از کارمندان عالی‌رتبه وزارت امور خارجه است، پس از چندین گردهمایی شرکتی را ایجاد کرد که خود ریاست آن را دارد و اعضایش به ترتیب زیر می باشد : «دنیس» مدیر راه آهن (شاه عبدالعظیم) ، «لمای» سردسته موزیسین‌های شاه ، « مرنیس» که دارای امتیاز ایجاد یک مؤسسه



. حسن فرامند

روزگار سورچی‌ها و درشکه‌ها در تهران

ساعات مقرر، کالسکه لازم داشت، می‌توانست از دوایر شرکت، کالسکه مخصوص کرایه کند

از دیگر وسایل که برای جابه‌جایی مسافر در تهران استفاده می‌شده و واکن آسی بوده است، همانطور که مشخص است توسط اسب کشیده می‌شده و به متصدی آن «سورچی» می‌گفتند اولین خط واکن اسب در تهران، در سال ۱۳۰۷ق و در دوران ناصرالدین شاه قاجار کشیده شد و امتیاز آن به یک شرکت بلژیکی، داده شده بود.

درشکه‌رانی در عهد رضاشاه

رفت و آمد مردم و چهارپایان بارکش، و دیگر وسایل نقلیه آن زمان، که هیچ کدام مانستی با اتومبیل نداشت، قرن‌ها بدون تغییر ادامه یافته بود.

... تا این که سرانجام قدرت به دست رضاخان افتاد در این دوران با انتخاب سرهنگ بوذرجمهری افسر قزاق، به کفالت بلایه (شهرداری) تهران، برای اولین بار گنرهای تنگ و باریک با تخریب خانه و باغ و مغازه مردم یکی پس از دیگری به خیابان‌های عریض و مناسب برای رفت و آمد اتومبیل‌ها و حتی درشکه تبدیل شدند.

در همین دوران است که، برای درشکه‌چی‌ها هم، مقرراتی وضع شد و آنان را که در زمره بی‌نظم‌ترین شهروندان بودند، به نظم کشید در «روژکی» روسی، اصلاً نام وسیله نقلیه کوچک و سبکی در روسیه، دارای دو یا چهار چرخ است که به وسیله اسب کشیده می‌شد. این نام در روسیه و ممالک اروپا و ایران به وسایط مشابه نیز اطلاق شده است.»

درشکه نیز وسیله‌ای بود، که به صورت یک صندلی دو نفره بر روی چهار چرخ‌های قرار گرفته، و معمولاً توسط دو اسب کشیده می‌شد. بعد از جنگ جهانی دوم که مردم از نظر مالی موقعیت خوبی نداشتند، به ناچار از یک اسب استفاده کردند.

درشکه، همراه با رنگ و روغن‌های عالی، و چرخ‌های چهارطرف شش‌های کرپستال قشنگ، بادگیرهای لب طلایی‌دار، و دو اسب نیرومند یک رنگ، و سورچی‌های شق و رق نشسته محکم (خبردار)

بگو، در اختیار مردم قرار گرفت. ابتدا زیر پای فکلی‌مآب‌ها و بچه تاجر‌ها و پسر حاجی‌های پولدار درآمد. و پس از آن داش‌مندی‌ها و خان‌بازها، از آن استفاده نموده، وسیله اغوای زنان تازه‌کار شدند. بعد از جنگ جهانی دوم، به دلیل کمبود علوفه، دو اسبشان به یک اسب تبدیل شدند.

نرخ درشکه سواری در تهران آن روزگار، برای یک نفر و دو نفر دو قران بود، و برای نفر سوم یک قران اضافه می‌گردید.

تأسیس نخستین شرکت درشکه‌رانی

تهران در اوایل قرن چهاردهم، چنان رشدی کرد که استفاده از وسایل حمل و نقل عمومی ضرورت یافت؛ از این رو، دولت در ۱۳۰۸

به میرزا جوادخان، که از کارمندان عالی‌رتبه وزارت امورخارجه بود، امتیاز ایجاد شرکت درشکه‌رانی را واگذار کرد. شرکت میرزا جوادخان سی دستگاه کالسکه از غازان وارد کرد. و در همان سال، شرکت افتتاح شد. ۲۳ کالسکه در شهر کار می‌کردند و هفت‌تای دیگر کالسکه‌های اضطراری بودند. درشکه‌های تک اسبه در چهار نقطه می‌ایستادند؛ میدان توپخانه، میدان سیزه میدان، اطراف سفارت انگلیس و میدان سرچشمه.

این درشکه‌ها از بامداد تا سه ساعت بعد از شامگاه در محلات عمومی می‌ایستادند و برای مسافرت یا ساعتی کرایه می‌شدند، اگر کسی پس از

تاریخ درشکه سواری در تهران آن روزگار، برای یک نفر و دو نفر دو قران بود، و برای نفر سوم یک قران اضافه می‌گردید.

تأسیس نخستین شرکت درشکه‌رانی

تهران در اوایل قرن چهاردهم، چنان رشدی کرد که استفاده از وسایل حمل و نقل عمومی ضرورت یافت؛ از این رو، دولت در ۱۳۰۸

به میرزا جوادخان، که از کارمندان عالی‌رتبه وزارت امورخارجه بود، امتیاز ایجاد شرکت درشکه‌رانی را واگذار کرد. شرکت میرزا جوادخان سی دستگاه کالسکه از غازان وارد کرد. و در همان سال، شرکت افتتاح شد. ۲۳ کالسکه در شهر کار می‌کردند و هفت‌تای دیگر کالسکه‌های اضطراری بودند. درشکه‌های تک اسبه در چهار نقطه می‌ایستادند؛ میدان توپخانه، میدان سیزه میدان، اطراف سفارت انگلیس و میدان سرچشمه.

این درشکه‌ها از بامداد تا سه ساعت بعد از شامگاه در محلات عمومی می‌ایستادند و برای مسافرت یا ساعتی کرایه می‌شدند، اگر کسی پس از



یکه مطالعات تاریخ معاصر ایران www.iichr.org



● محمدرضا حیدرزاده

آسمان پاریس را تاریکی همراه با نم باران فرا گرفته، کالسکه ای مقابل هتل بزرگ پاریس متوقف می شود. کالسکه چی فوراً پایین آمده و مسافرش را پیاده می کند، دربان ها با دیدن چهره مسافر که آرام آرام گام بر می دارد - گویی بیمار است - زیر دست هایش را می گیرند و به سالن هتل که مملو از جمعیت است می برند.

شهردار پاریس که میزبان این میهمانی بزرگ است، با دیدن مسافر بیمار، به استقبال او می رود و آهسته آهسته از میان جمعیت می گذرند. در گوشه ای از سالن، دو نفر در حال گفت و گو هستند: «پابلو پیکاسو» نقاش مشهور و «جیمز جویس» نویسنده ایرلندی و خالق رمان معروف و بی نظیر «ولیس».

شهردار پاریس، میهمانش را نزد این دو نفر می برد: آقایان، مفتخرم که جناب «مارسل پروست» را خدمت شما معرفی کنم، نویسنده رمان جادویی «در جستجوی زمان از دست رفته»...

به این ترتیب سه غول دنیای هنر و ادبیات، زیر یک سقف، در کنار هم قرار می گیرند. سایر میهمانان با چشمانی شیفته به آن ها می نگرند، لحظه ای بی نظیر و خاطره انگیز.

جیمز جویس خطاب به مارسل پروست می گوید: «شما مثل اقیانوسی بی کران هستید» و مارسل پروست هم متقابلاً می گوید: «جناب جویس، شما هم مثل قله ای دست نیافتنی هستید».

مارسل پروست که به شدت از بیماری آسم رنج می برد، با عرض پوزش، از جایش بلند می شود و با پیکاسو و جیمز جویس، دست می دهد و دوباره با همراهی شهردار پاریس از سالن خارج شده و به خانه اش بازمی گردد. آن لحظه تاریخی دیدار جویس و پروست، دیگر هرگز تکرار نشد تا به دیداری افسانه ای مبدل شود.

مارسل پروست در کودکی به بیماری آسم شدید مبتلا شد، با این که پدرش پزشک مشهوری بود نتوانست برای پسرش راه علاج مناسبی بیابد، فقط توانست راه های کاهش بیماری را تجویز کند، اما با بزرگ و بزرگتر شدن مارسل پروست، بیماری آسم با شدت بیشتری تعقیبش می کرد.

به همین دلیل کمتر در انتظار ظاهر می شد و بیشتر مواقع در اتاقش که نیمه تاریک بود تنها می ماند و به مطالعه کتاب های داستان می پرداخت تا این که ذهن خلاقش آرام آرام شروع به فوران کرد، ابتدا داستان های کوتاه برای مجلات پاریسی می نوشت، سپس آبدیده تر که شد شروع به نوشتن کتاب کرد.

مارسل پروست در حالی که در اتاق تاریکش، به آینده خود با تردید می نگریست و بیشتر لحظه هایش را روی تخت دراز کشیده بود در سال ۱۹۱۳ تخت خود را به میز تحریرش تبدیل و شروع کرد به روی کاغذ در آوردن طرحی که در ذهن داشت، یعنی رمان «در جستجوی زمان از دست رفته» که نوشتن آن چهارده سال ادامه داشت و در سال ۱۹۲۷ در هفت جلد منتشر شد؛ رمانی بی نظیر که ادبیات جهان را تحت تأثیر خود قرار داد.

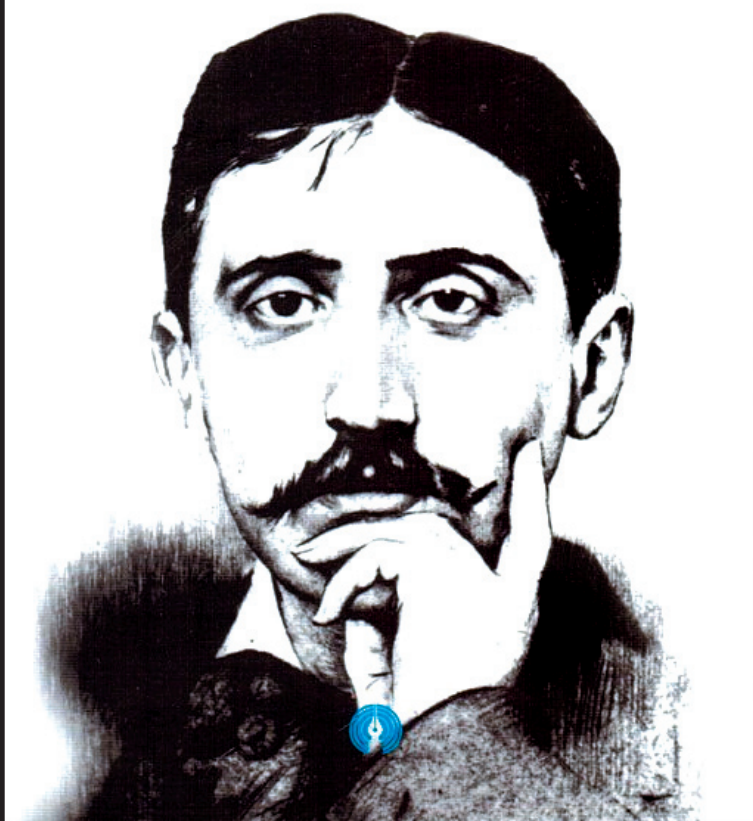
کتاب «مارسل پروست» نوشته «آدام وات» با ترجمه قاسم مؤمنی، توسط انتشارات علمی فرهنگی، منتشر شده است.

مقدمه کیمبرج بر

مارسل پروست

آدام وات

مترجم: قاسم مؤمنی



در جستجوی زمان از دست رفته مارسل پروست

چرخش ذهن
در زمان نامعلوم

همچنان که زندگی نامه نویسان و منتقدان، طی دهه های گذشته نشان داده اند، پروست تمامی جزئیات تجارب شخصی اش را در نگارش رمان به کار گرفته است.

زندگی او و دنیای به سرعت در حال تغییر پیرامون او، الهامات و ایده ها و داستان های فراوانی در اختیار او می گذاشت که زمینه ساز ساختار سترگ او شد، ولی نه به این معنا که پروست و راوی رمانش را شخصی واحد تلقی کنیم.

پروست یک برادر مادری شاغل در کتابخانه داشت ولی راوی در رمانش، هیچ کدام از این ها را ندارد. بعضی از خوانندگان (و منتقدان) راوی را با «مارسل» یکی می گیرند و با این کار تلویحاً هویت او را هم راستا با هویت خالق اثر می دانند و در واقع بخش اعظمی از بار رمان را بر دوش برهه مختصری از آن می نهند.

در این رمان در جلد «اسیر» (که مرگ مهلت

آدام وات که استاد ادبیات دانشگاه لندن است، در این کتاب، به واکاوی زبان نوشتاری و تلفیق روح و جسم بیمار «مارسل پروست» برای خلق رمان بی نظیر و ماندگار «در جستجوی زمان از دست رفته» پرداخته است.

آدام وات در این کتاب می نویسد:

پروست زندگی بسیار جذابی را از سر گذراند: حیاتی سراسر درگیر با بیماری و در عین حال، آمیخته با کوششی پایان ناپذیر، دریایی از طلب و رضایتی ناچیز و بهره مند از ثروت و امتیازات فراوان همراه با عطشی بی پایان برای آمیختن با افرادی از طبقات فرو دست اجتماع.

چنین ویژگی هایی، زمینه را برای خوانشی جذاب از آثار او فراهم و به درک ما از رمان او کمک می کند، ولی چه بسا زیاده تکیه کردن بر آن ها ما را چنان شیفته خود او کند که از هنر نوشتنش غافل بمانیم.

نداد تا پروست ویرایش آن را تمام کند) راوی می گوید: «آلبرتین وقتی از خواب بیدار می شد، به حرف می آمد و می گفت عزیز یا عزیزم، و به دنبالش نامم را می آورد» که اگر به راوی این داستان نام نویسنده اش را بدهیم می شد «عزیز، مارسل» یا «عزیز مارسل». این اشاره ناگهانی از یک سو به ما می گوید راوی واقعی نیست و از سوی دیگر خود متنی که چنین اشاره ای در آن آمده نیز واقعی نیست.

در نتیجه خواننده با معمای گیج کننده ای رو در رو می شود، ولی در عین حال، به هیچ وجه دلیل قاطعی بر آن نیست که شخصیت اصلی داستان همان «مارسل» است، چه رسد به آن که صرف همانم بودن این دو، بتوان گفت پروست و مارسل در واقع، یک نفرند.

آن چه به این پیچیدگی ها دامن می زند این است که پروست در یادداشت ها و نامه نگاری هایش طی نوشتن رمان، همه جا با ضمیر اول شخص از راوی سخن می گوید و مرز میان آفریننده رمان و قهرمان آن را کم رنگ می کند.

همچنین جرج پینتر، نخستین و یکی از مهم ترین زندگی نامه نویسان پروست در زبان انگلیسی، به این فرض نیز پرداخته است که «در جست و جو» را می توان نوعی «زندگی نامه خود نوشت خلافت» دانست و پینتر بر این باور بود که شناخت اطرافیان پروست می تواند به شناخت شخصیت های داستانش کمک کند.

با در نظر گرفتن تمامی این موارد، سراسر ترین کار - که شاید در کتاب حاضر نیز به کار بیندیم - آن است که شخصیت اصلی رمان را «راوی» بنامیم و او را شبیه و در عین حال، متمایز از مؤلف بدانیم.

پرداختن ما به زندگی پروست، به این دلیل نیست که اطلاعات برآمده از زندگی او را می توان مبنای خوانش رمان در جست و جوی زمان از دست رفته قرار داد یا شناخت اطرافیان او «کلید» فهم شخصیت های رمان یا لذت بیشتر از آن خواهد بود، بلکه فایده پرداختن به زندگی پروست این است که آشنایی با محیط خانوادگی، شرایط روحی و جسمی و پرورشی، روابط او طی دوران کودکی و نوجوانی و شیوه زندگی او در بزرگسالی، به شناخت ما درباره نیروهای شکل دهنده شخصیت پیچیده و منحصر به فرد او کمک می کند.

بررسی پس زمینه های فکری و هنری زندگی و آثار پروست، اگر خلاصه وار نباشد، بسیار بیش از گنجایش این کتاب است. رمان پروست منبع عظیمی از ارجاعات و اشارات، نه فقط به آثار موجود یا محبوب در دوران خودش، بلکه به قرن ها فلسفه، ادبیات، هنرهای بصری و موسیقی وابسته است.

بنابراین به منظور اندیشیدن درباره پس زمینه های فکری و هنری زندگی و آثار پروست، باید نگاهی به قرن نوزدهم و بسیار پیش از آن انداخت؛ همچنین باید نگاهی به دوره پیش از جنگ جهانی بیندازیم تا ببینیم چگونه می توان به رابطه او و جریان های همعصرش پی برد که از میان آن می توان به سمبولیسم، افول ناتوریالیسم، تحولات هنرهای بصری از امپرسیونیسم گرفته تا پوانتیلیسم، فوویسم و کوبیسم، و نیز جنبش های مهم فکری مانند فوتوریسم اشاره کرد.

همچنین پروست یکی از مهم ترین نویسندگان مدرنیسم اروپا است و می توان آثار او را در ارتباط با دیگر نویسندگان این جریان، از جمله کافکا، مان، ولف و جویس، بررسی کرد که همگی تأثیر بسیار مهمی در تغییرات اساسی چشم اندازها و قابلیت های خلاقیت ادبی در این عصر داشته اند.



• دکتر حمیدرضا بسحاق

تأمل و انتقادی در باب ترجمه متون فلسفی در ایران

فلسفه و بیماری ترجمه

وجود و عدم آنها چندان فرقی ندارد. تأسف بیشتر اینکه بسیاری از این مترجمان اسم هم در کرده‌اند. کثرت باعث شهرت شده و کمیت جای کیفیت را گرفته است. متأسفانه ترجمه‌های دقیق و خوب هم در میان انبوه ترجمه‌های کنایه گم شده‌اند و طالبان فلسفه هم

در انتخاب ترجمه خوب سرگردانند. * ترجمه باید روان و قابل فهم باشد تا همگان بتوانند از آن بهره ببرند، هرچند متن فلسفی را آسان کردن کار دشواری است زیرا کار فلسفه تا حدودی دشوار کردن چیزهای آسان است. از این گذشته، ساده کردن بیش از حد یک چیز به ابتذال می‌انجامد که نمونه آن را می‌توان در کتاب‌های فراوانی که به اسم فلسفه به زبان ساده روانه بازار کتاب شده‌اند به وضوح مشاهده کرد. * در ترجمه متون فلسفی تا آنجا که ممکن است باید از زبان مادری بهره گرفت و در استفاده از واژگان پارسی نباید زیاده‌روی کرد و در تنگنای زبانی باید از واژگان مأنوس و آشنای زبان‌های دیگر کمک گرفت؛ به عنوان مثال، تا زمانی که کلمات رایج و دقیقی مانند «انتزاعی» و «شهود» وجود دارند دلیلی ندارد از واژه‌هایی مانند «برآهنجیده» و «سهش» استفاده کنیم فقط به خاطر اینکه زبان ما پارسی است؛ زیرا همانطور که ویتگنشتاین هم به ما آموخته، زبان یک قرارداد است.

همچنین در ترجمه اصطلاحات فلسفی نباید بر آوردن معادل فارسی آنها اصرار ورزید زیرا این واژگان برای زبان خودشان وضع شده‌اند نه زبان ما. بنابراین در بسیاری از موارد باید همان واژگان اصلی را به کار ببریم. به عنوان مثال تراژدی را «آواز بز»، «غم نامه» و «سوگ رنج‌نامه» نخوانیم.

* وضعیت ترجمه در شاخه فلسفه‌های مضاف به ویژه فلسفه هنر و زیبایی‌شناسی ناگوارتر است. متون فلسفه هنر، دشوارترین متون فلسفی‌اند. ترجمه متون فلسفه هنر بسیار دشوار است و به سبب همین دشواری اکثر ترجمه‌های موجود غیرقابل استفاده‌اند. آنان که فلسفه را می‌شناسد با هنر آشنا نیستند و آنان که هنر را می‌شناسد با فلسفه ناآشنایند. کار گروهی هم وجود ندارد گویا در جامعه ما هنرمند و فیلسوف باهم بیگانه‌اند. مترجمان جدید با وجود دسترسی به منابع اطلاعاتی فراوان و دانش حاضر و آماده‌ای که تکنولوژی برای آنان مهیا کرده، به اندازه مترجمان قدیمی در کارشان موفق نبوده‌اند. مترجمان قدیم در کارشان تعهد داشتند و هیچ‌گونه سهل‌انگاری را بر نمی‌تافتند. کار ترجمه برای آنها یک پژوهش بود. گاه انتشار ترجمه یک کتاب به سبب چند جمله سال‌ها به توقیف می‌افتاد. مرحوم دکتر محسن جهانگیری، کتاب فنی و دشوار اخلاق اسپینوزا را سال‌ها در دانشگاه تهران تدریس کرد و سپس تصمیم به ترجمه آن گرفت و حتی به سبب دشواری کار چند بار ترجمه را نیمه‌کاره رها کرد و در نهایت ترجمه‌ای دقیق و قابل قبول را عرضه کرد. در سه دهه اخیر برخی مترجمان به بهانه آنکه ترجمه‌های قدیمی غیردقیق‌اند ترجمه‌های غیردقیق‌تری را ارائه داده‌اند. به عنوان مثال از فن شعر ارسطو چهار ترجمه موجود است که ترجمه قدیمی مرحوم زرین کوب هنوز دقیق‌تر است. شاید بهتر باشد مانند اریستوفان (در کتاب قورباغه‌ها) در داوری آیسوخولوس سنتی و اروپییی نوآور، حق را به آیسوخولوس دهیم.

توضیح: مقاله حاضر، نقد و نظر آقای دکتر بسحاق، مدرس دانشکده هنر تهران است و نقد و نظری متفاوت درباره آن نوشته شده که به دلیل کمبود جا، هفته آینده در همین صفحه منتشر خواهد شد.

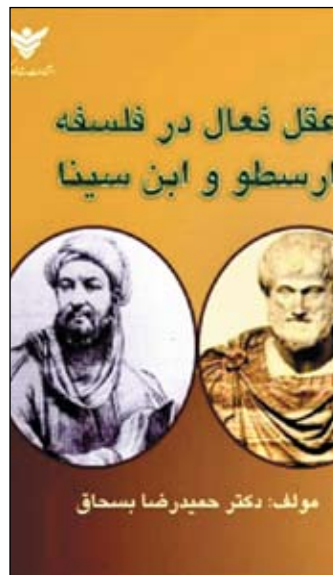
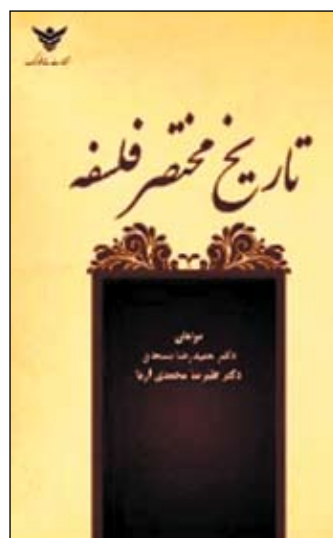
* به خانه می‌روم. با عجله کیفم را باز می‌کنم و از آن کتابی بیرون می‌آورم، کتابی که مدت‌ها منتظر چاپ آن بودم: ترجمه یکی از آثار مهم فلسفی از مترجمی صاحب نام. فوراً شروع به خواندن آن می‌کنم. ساعت‌ها می‌گذرد اما با آن ارتباط برقرار نمی‌کنم. حالم بد می‌شود و کتاب را به سویی می‌افکنم. با خود می‌گویم ای کاش پولی را که خرج غذای روح کردم، خرج غذای جسم می‌کردم و مثلاً یک معجون می‌خوردم.

* کار ترجمه کار مهم و سترگی است. ترجمه: خلق اثری دیگر است. دنیای زبان مقصد دنیایی متفاوت با زبان مبدا است. ترجمه متون فلسفی گونه‌ای تأویل متن و هرمنوتیک است. به عنوان مثال، کسانی که آثار فیلسوفان اگزیستانس را به زبان‌های مختلف می‌خوانند، برداشت‌های متفاوتی از آنها می‌کنند و حتی ترجمه‌های متعدد فارسی یک اثر نیز معانی و مفاهیم مختلفی را به ذهن متبادر می‌کنند. هگل ترجمه فرانسوی کتابش «پدیدارشناسی روح» را خواند و اظهار کرد تازه فهمیده چه گفته است.

در شعر و ادبیات هم همین گونه است. ترجمه متون شعر غرب، جنبشی نو را در شعر پارسی پدید آورد، درست همان‌طور که ترجمه‌های آثار یونانی به زبان‌های اروپایی تحولی در شعر رنسانس به وجود آورد. طلایه‌دار این شاعران شاملوست. بعضی از ترجمه‌های شاملو از اصل اثر زیباترند. حتی بعضی از اشعار خود او ترجمه اشعار حافظ، الوار، لورکا و دیگران است اما زیاتر از اشعار آنهاست. کار او انتحال نیست، ابتکار و خلاقیت است. مترجمان ما نتوانسته‌اند این اشعار را به گونه‌ای ترجمه کنند که برای غربی‌ها قابل فهم و جذاب باشد و الا در غرب شاهد ظهور شاعرانی بودیم که به سبک حافظ و شاملو شعر می‌سروند.

ترجمه متون فلسفی کاری دشوارتر و زمان‌گیرتر است؛ مترجم متون فلسفی علاوه بر دانش زبانی باید با خود فلسفه نیز آشنا باشد. متن فلسفی را اول باید فهمید و هضم کرد و بعد ترجمه کرد؛ اگر غیر از این باشد نتیجه‌اش همان می‌شود که در بیشتر ترجمه‌های فلسفی می‌بینیم. از این رو مترجم آثار فلسفی باید با زبان و افکار فیلسوفان مختلف آشنا و به متن علاقه داشته باشد. هرچند خود این فیلسوفان هم اعتراف کرده‌اند که حقیقت آنچه را که گفته‌اند درنیافته‌اند؛ درک فلسفه‌های مختلف کار سخت و زمانبری است به ویژه فیلسوفانی مانند هایدگر که متونشان بیشتر تجربه شدنی است تا ترجمه شدنی.

متأسفانه در جامعه ما کار خطیر ترجمه متون فلسفی تا حدود زیادی به بازی گرفته شده است و نظارت دقیقی هم بر آن نمی‌شود؛ هرکس کتابی فلسفی را برداشته و به ضرب دیکشنری می‌خواهد آن را ترجمه کند. بسیاری از این ترجمه‌ها حتی برای اهل فن هم قابل فهم نیستند چه رسد به نوآموزان فلسفه. زیرا وقتی خود مترجم مطلب را فهم نکرده و با ماله‌کشی ادبی و آوردن الفاظ نامربوط و ملغی آن را پیچانده است، چگونه خواننده قادر به فهم آن خواهد بود! برخی از ترجمه‌های به اصطلاح دقیق هم به سبب دقت بیش از حد قابل فهم نیستند. این ترجمه‌ها همدلانه نوشته نشده‌اند؛ حتی بعضی از آنها جایزه کتاب سال را هم گرفته‌اند اما کسی با آنها ارتباط برقرار نمی‌کند و در کل



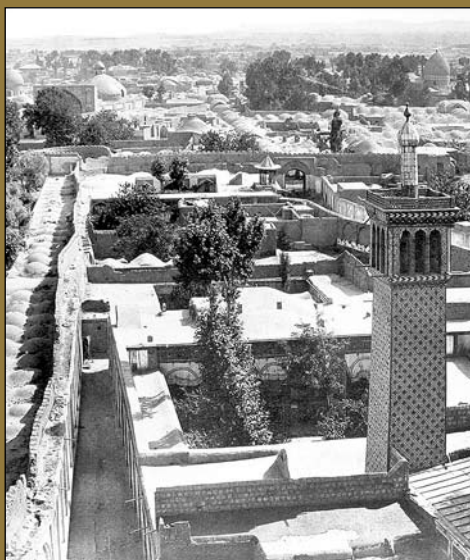
فصل شعر

مانند برف

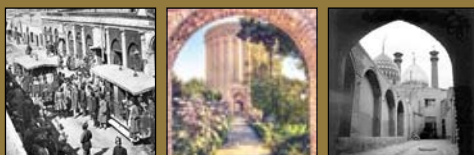
مولوی

هین خیره خیره می نگر اندر رخ صفرای ام
هر کس که او مکی بود، داند که من بطحایی ام
زان لاله روی دلستان، روید ز رویم زعفران
هر لحظه زان شادی فزا، بیش است کارافزایی ام
مانند برف آمد دلم، هر لحظه می کاهد دلم
آنجا همی خواهد دلم، زیرا که من آنجایی ام
هر جا حیاتی بیشتر، مردم در او بی‌جوش‌تر
خواهی بیا در من نگر، کز شید جان شیدایی ام
آن برف گوید دم به دم: بگذارم و سیلی شوم
غلتان سوی دریا روم، من بحری و دریایی ام
تنها شدم، راکد شدم، بفسردم و جامد شدم
تا زیر دندان بلا، چون برف و یخ می خایی ام
چون آب باش و بی‌گره از زخم دندان‌ها بجه
من تا گره دارم یقین می کوبی و می سایي ام
برف آب را بگذار هین ققاع‌های خاص بین
می جوشد و برمی جهد که تیزم و غوغایی ام
هر لحظه بخروشان‌ترم برجسته و جوشان‌ترم
چون عقل بی‌پر می یرم، زیرا چو جان بالایی ام
بسیار گفتم: ای پدر، دانه که دانی اینقدر
که چون نیم بی‌با و سر در پنجه آن نایی ام
گر تو ملولستی ز من، بنگر در آن شاه زمن
تا گرم و شیرینت کند آن دلبر حلوایی ام
ای بی‌نویان را نوا، جان ملولان را دوا
پژآن کهنده‌ی جان که من، از قافم و عنقایي ام
من بس کنم بس از حنین، او بس نخواهد کرد از این
من طوطی‌ام عشقش شکر، هست از شکر گویایی ام

شرح تصویر جلد



نمایی از تهران قدیم برفراز بازار بزرگ تهران و معماری سنتی و مذهبی پایتخت



تصاویری از حرم مطهر شاه عبدالعظیم در شهرری، برج طغرل و نخستین خط آهن تراموای تهران به ری

چهل سال پیش در همین روز

تمامی مطالب از روزنامه اطلاعات روز سه شنبه ۱۸ دی ماه ۱۳۵۸ (برابر با ۱۹ صفر ۱۳۰۰ و ۸۰ ژانویه ۱۹۸۰) نقل شده است.

آغاز مبارزات شدید انتخاباتی

کمیسیون بازرسی تبلیغات انتخابات از قیام نامزدهای ریاست جمهوری دعوت کرد تا صبح امروز خود و یا نماینده‌شان جهت نظارت برای تقسیم‌بندی زمان تبلیغات از صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران به وزارت کشور مراجعه نمایند. عدم حضور در این جلسه در حکم انصراف از شرکت در تبلیغات رادیو تلویزیون اعلام شده است، به دنبال اعلام تبلیغات در رادیو تلویزیون فعالیت‌های شدیدی از طرف کاندیداهای ریاست جمهوری آغاز شد. ستاد انتخاباتی دکتر احمد مدنی طی اطلاعیه‌ای اعلام کرد که تاکنون ستادهای انتخاباتی دکتر مدنی در بیش از ۲۵ نقطه از شهر تهران و در کلیه مراکز استانها و شهرهای دور و نزدیک به وسیله مردم تشکیل شده است. ستاد انتخاباتی دکتر صادق طباطبایی که در خیابان شهید مطهری (تخت طاوس سابق) تشکیل شده است با انتشار بیانیه‌ای به شرح زندگی وی پرداخت. ستاد انتخاباتی داریوش فروهر از هم میهنان علاقمند درخواست کرد کمک‌های مالی خود را از هر کجای ایران به امور مالی این ستاد واقع در خیابان سپنج شماره ۲۶ ارسال دارند... انجمن دانشجویان مسلمان دانشگاه تربیت معلم طی اطلاعیه‌ای حمایت خود را از مسعود رجوی کاندیدای سازمان مجاهدین خلق ایران برای ریاست جمهوری اعلام کردند.

شوروی قطعنامه شورای امنیت را تو کرد

سازمان ملل - خبرگزاری فرانسه - شوروی قطعنامه کشورهای غیر متعهد را درباره افغانستان در شورای امنیت وتو کرد و نماینده آلمان شرقی که به تازگی به عضویت شورای برگزیده شده است نیز به این قطعنامه رأی مخالف داد. قطعنامه از ۱۵ عضو شورای «۱۳» رأی مثبت آورده بود. در قطعنامه کشورهای غیر متعهد بی آنکه نامی از شوروی برده شود مداخله مسلحانه در افغانستان محکوم شده و درخواست شده بود که نیروهای خارجی بی درنگ و بدون قید و شرط این کشور را ترک کنند.

۲ همکار ساواک نامزد ریاست جمهوری شده‌اند

مهندس حسن شهرستانی، مدیرکل مطبوعات داخلی وزارت ارشاد ملی در گفتگویی در مورد کثرت تقاضاهای امتیاز نشریات و نحوه بررسی بکارمندان کسب پروانه مطبوعات گفت: تعداد تقاضاها در این خصوص در حال حاضر به ۳۸۵ پرونده رسیده است. برای ما جای بسی تأسف است که وابستگان به رژیم گذشته و یا کسانی که با ساواک همکاری داشته‌اند با آگاهی از این ماده مطبوعاتی با جسارت فراوان اقدام به گرفتن پروانه انتشار روزنامه کرده و حتی پا را فراتر گذاشته و خود را کاندیدای ریاست جمهوری می‌کنند. زیرا در دو مورد مشاهده کرده‌ایم افرادی که بخاطر داشتن مدارک همکاری با ساواک پس از بررسی تقاضایشان برای دریافت امتیاز نشریات از طرف وزارت ارشاد ملی رد شده است نامشان در لیست کاندیداهای ریاست جمهوری دیده می‌شود.

یاد جهان پهلوان تختی تازه شد

دیروز دهها هزار نفر در سیزدهمین سالروز شهادت فرزند دلیر ایران، جهان پهلوان تختی، بر مزار این پوریای ولی زمانه گرد آمدند و مراسم پرشکوهی برپا داشتند. از آغاز صبح دستجات آزاد، گروه‌های سیاسی، ورزشی و اجتماعی جمعی از رهبران احزاب سیاسی در این بابویه بر مزار جهان پهلوان غلامرضا تختی گرد آمدند به طور که در ساعت دو بعد از ظهر محوطه امامزاده مملو از انبوه جمعیت شد.

سازمان اوقاف و حج، از وزارت ارشاد ملی جدا شد

ناصر میناچی وزیر ارشاد ملی اعلام کرد: طبق تصویب شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران، سازمان اوقاف و حج از این پس، به صورت یک سازمان مستقل و جدا از وزارت ارشاد ملی خواهد بود که زیر نظر شورای انقلاب اداره خواهد شد.

بندر لنگه، آرام شد

بندر عباس - حجت الاسلام غلامحسین حقانی نماینده امام در استان هرمزگان هیأتی را برای بررسی حادثه و پایان بخشیدن به مخاصمات بندر لنگه به آن شهر فرستاد. اعضای این هیأت پس از گفتگو با روحانیون اهل سنت و جماعت موفق شدند آرامش کامل را به بندر لنگه باز گردانند.

قاب امروز



روستای قنات ملک ز آذگاه شهید سپهبد قاسم سلیمانی در حومه رابر کرمان / عکس از: حسن شیروانی - ایرنا

سرایه

دیوانه می کنی دل و جان خراب را
مشکن به ناز سلسله مشک ناب را
بوی وصال در خور این روزگار نیست
ضایع مکن به دلق گدایان گلاب را
از چاشنی درد جدایی چه آگهند
یک شب کسان که تلخ نکردند خواب را
طوفان فشان به دیده و قحط وفا به دهر
تقویم حکم کی کند این فتح باب را

تا گفتمش بکش، ز مژه تیغ رانده بود
ما بنده ایم غمزه حاضر جواب را
آفت جمال شاهد و ساقی ست بیهده
بدنام کرده اند به مستی شراب را
خونابه می چکاندم از گریه سوز دل
خوش گریه ایست بر سر آتش کباب را
امیر خسرو دهلوی

امروز در تاریخ

زلزله شدید تبریز

۱۸ دیماه ۱۵۸ - سال وفات کریمخان زند در ۷۴ سالگی شهر تبریز و نواحی پیرامون آن دچار یک زمین لرزه سخت شد. «تاریخ سوانح طبیعی» تلفات این زلزله را ۵۰ تا ۱۵۰ هزار تن نوشته است. برخی نوشته ها، به استناد ارقام مندرج در نامه های اشخاص، حواشی کتابها و مندرجات دیوانی تلفات را از ۸۰ تا ۲۰۰ هزار به دست داده اند.

مظفرالدین شاه قاجار در گذشت

مظفرالدین شاه قاجار هشتم ژانویه ۱۹۰۷ و ده روز پس از امضای نظام نامه مشروطیت در ۵۴ سالگی، ظاهرا از بیماری سل در گذشت و ده روز بعد پسرش محمدعلی میرزا تاجگذاری کرد و شاه شد؛ بدون این که از نمایندگان مجلس شورای ملی برای شرکت در این مراسم دعوت به عمل آورد. مظفرالدین شاه دارای شش پسر و ۱۸ دختر بود.

قوانین مطبوعاتی ایران لغو شد

۱۸ دی ماه سال ۱۳۲۹ هجری خورشیدی در پی دو ماه تلاش پیگیر روزنامه نگاران وطن، طرح لغو همه قوانین مطبوعاتی کشور به استثنای قانونی که مجلس، دو سال پس از مشروطه شدن کشور وضع کرده بود از تصویب گذشت که پیروزی بزرگی برای «ژورنالیسم ایران» در طول تاریخ بشمار رفته است. این مبارزه در پی تحت فشار قرار گرفتن مطبوعات که در باره نفت چیزی ننویسند از نیمه آبان آن سال آغاز شده بود.

گالیله در گذشت

گالیله فیزیکدان، فضا شناس، فیلسوف و دانشمند بزرگ قرون جدید و سازنده تلسکوپ هشتم ژانویه سال ۱۶۴۲ میلادی در گذشت. وی در ۱۵ فوریه سال ۱۵۶۴ در پیسای ایتالیا به دنیا آمده بود.

انتقال عوارض نو سازی به شهرداری ها

۱۸ دی ماه ۱۳۲۹، دولت وقت اخذ عوارض املاک شهری را تحت عنوان «نوسازی» به شهرداری ها واگذار کرد. در همان زمان کسانی بودند که گفته بودند در ایران هم مانند کشورهای دیگر عوارض سالانه مستغلات باید بر پایه بهای روز وصول شود و هزینه های شهر از همین محل تامین گردد و اداره مدارس، درمانگاه های، پلیس و زندان، آب، برق و تلفن مانند همه کشورها از جمله آمریکا به شهرداری ها واگذار شود و دولت به امور مهم و برنامه ریزی بپردازد.

www.iranianshistoryonthistday.com

سودوکو

۲۶۵۳

۹	۷			۳	۴		۸
۴				۵			
		۳		۲			
۵	۹		۳				۴
	۱						۸
	۸			۶		۹	۱
			۳		۸		
			۸				۶
۸		۶	۲				۵

۷	۶	۱	۹	۵	۸	۳	۴	۲
۳	۴	۲	۷	۶	۱	۹	۵	۸
۹	۵	۸	۳	۴	۲	۷	۶	۱
۱	۷	۶	۸	۲	۹	۵	۳	۴
۵	۹	۳	۱	۷	۴	۸	۲	۶
۸	۲	۴	۶	۳	۵	۱	۷	۹
۴	۱	۷	۵	۸	۶	۲	۹	۳
۶	۳	۹	۲	۱	۷	۴	۸	۵
۲	۸	۵	۴	۹	۳	۶	۱	۷

حل ۲۶۵۲

جدول شرح در متن

۵۱۶۶

غلامحسین باغبان

تلاش جهت جلب مشتری	کتابه از منجی	جدید	د	طول	ناشنوا	واحد معیار
ب	پ	ف	گ	ز	ح	ط
بیشه زار نی	قسمت سوم شکمبه	هم چنین ، نیز	بلند	کارتن باز نشده	خرو سندی	فضای خالی
عملی گردید	پایبندی	امیدواری	واحد نظامی	موی گردن اسپ	خروس ملازنی	از هوا
چهار بار بارش	گیشه بلیط	فایده	دارا و ثروتمند	موی گردن اسپ	خروس ملازنی	از هوا
بعد از جمعه	کذب	جوان	دارا و ثروتمند	موی گردن اسپ	خروس ملازنی	از هوا
نهی کننده	نهی کننده	نهی کننده	نهی کننده	نهی کننده	نهی کننده	نهی کننده

حل جدول ۵۱۶۵